

ای کریمی که از خزانه غیب

گبر و ترسا وظیفه خور داری

دوستان را کجا کنی محروم

تو که با دشمنان نظر داری

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی (رح)

کاهش ۸٪ بیماری ملاریا در کشور

۲۵ اپریل / کابل - بی بی سی: فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه اعلام کرد که گزارش سال ۲۰۱۴ این وزارت نشان می دهد میزان افراد مبتلا به بیماری ملاریا در ۸ درصد کاهش یافته است. در خبرنامه آ نوزارت که امروز به مناسبت روز جهانی ملاریا در کابل نشر شد، از وزیر بهداشت نقل شده که در سال ۲۰۱۴، ۲۹۵ هزار نفر به بیماری ملاریا مبتلا شده اند که نسبت به سال ۲۰۱۳ هشت در صد کاهش را نشان می دهد. به گفته او ملاریا یک مشکل عمده در عرصه بهداشت افغانستان است و بیش از ۷۵٪ جمعیت کشور در مناطقی زندگی میکنند که میزان ابتلا به این بیماری بلند یا متوسط است. وزیر بهداشت حمایت دولت از مردم برای مقابله با این بیماری، اطلاع رسانی و مبارزه با آن را دلیل کاهش میزان افراد مبتلا به بیماری ملاریا ذکر کرده است.

افغانستان یکی از چهار کشور جهان است که بیماری ملاریا در آن به بالاترین حد قرار دارد. به گزارش اهداف هزاره افغانستان، اکنون در ۶۳ ولسوالی ۱۲ ولایت این کشور، این بیماری در حد حاد قرار دارد. تا کنون ۹۰ درصد از گزارش های دریافتی در باره افرادی که گمان می رود به ملاریا مبتلا باشند، تایید شده است.

تعداد افراد که به دلیل این بیماری در افغانستان جان خود را از دست دادند، در سال ۲۰۰۸ ۴۶ نفر بود و در سال ۲۰۱۲ نیز ۳۶ نفر گزارش شده. در سال ۲۰۰۵ بیماری ملاریا ۱۴٪ از کل بیمارها را در افغانستان تشکیل میداد، ولی در ۲۰۱۲ این رقم به ۵٪ افزایش یافت. افغانستان در نظر دارد تا سال ۲۰۲۰ این رقم را به ۲٫۰ درصد برساند.

بودجه ریاست اجراییه تصویب شد

۲۵ اپریل / کابل - باختر: در جلسه امروز مجلس که ریاست عبدالرووف ابراهیمی برگزار شده بود، بودجه ریاست اجراییه با کسب یکصد و هشت رای به اکثریت آرا تصویب گرد. این در حالی است که بودجه ریاست اجراییه بنا به نبود نصاب مجلس روز چهارشنبه تصویب نشد. همچنان ولسی جرگه در جلسه علنی اکلیل حکیمی وزیر مالیه را پیرامون مسایل مالی و بودجوی استجواب نمودند.

کمسیونهای انتخاباتی به نقض قوانین متهم شدند

۲۵ اپریل / کابل - باختر: مسئولان فیفا یامؤسسه انتخابات آزاد و عادلانه گفته اند گزارش تحقیقی که در مدت یکسال گذشته انجام داده اند، نشان میدهد که کمسیون انتخابات دومورد در قانون اساسی، بیست مورد در قانون انتخابات و پنج مورد قانون تشکیل وظایف و صلاحیت هارا نقض نموده و شش مورد در رابطه به قانون تشکیل وظایف و صلاحیتی ها و ۴ مورد قانون انتخابات از سوی کمسیون شکایات انتخاباتی نقض شده است.

به گفته مسئولان مؤسسه انتخابات آزاد و عادلانه، در دورا ول انتخابات ریاست جمهوری پنج هزار و پنج صد تن و در دور دوم یازده هزار کارمند کمسیون انتخابات در تقبل دست داشته اند که باید به نهادهای عدلی و قضایی معرفی شوند. اما تا کنون مسئولان کمسیونهای انتخاباتی در این گزارش تحقیقی ابراز نظر نکرده اند.

آگاهان امور و تمویل کنندگان برنامه های انتخاباتی پس از نتایج بدست آمده از انتخابات دور دوم ریاست جمهوری، خواهان اصلاحات در نظام های انتخاباتی شدند. به همین منظور در توافقنامه سیاسی حکومت وحدت ملی تاکید شده که باید کمسیون ریابه هدف اصلاح نظام انتخاباتی تعیین کنند.

قرار بود انتخابات ولسی جرگه در نیمه اول امسال برگزار شود اما به علت تاخیر در ایجاد کمسیون اصلاحات نظام انتخاباتی، معلوم نیست که چه وقت برگزار خواهد شد.

حیف ومیل پول مالیه دهندگان امریکا در افغانستان

۲۵ اپریل / واشنگتن - باختر: نشریه فارن پالیسی در شماره اخیر خود بار دیگر نمونه های حیف و میل پولهای مالیه دهندگان امریکادر افغانستان مثال آورده است، نشریه از قول اداره سرمفتش خاص باز سازی امریکا در افغانستان مینویسد که در راپور اخیر خود نوشته است: یک پارک صنعتی چهار سال قبل بامصرف هفت ملیون و هشت صدهزار دالر در شور اندام قندهار اعمار شد، اما این پارک صنعتی تا حال به بهره برداری سپرده نشده است. این پارک که در مساحت هفتاد و چهار جریب زمین ساخته شده برای چهل و هشت مرکز تجارتی جای دارد، ولی تا حال نتوانسته است صرف یک مرکز را بخود جلب کند.

نشریه فارن پالیسی می افزاید بعد از تفتیش اداره سرمفتش خاص باز سازی امریکا در افغانستان یا (سیگار)، مقامات افغان گفته اند که چندین مرکز دیگر تجارتی هم در این پارک صنعتی به کار شروع کرده اند. گرچه در این پارک صنعتی یک مرکز تولید برق هم وجود دارد، اما تاجران می گویند یکی از دلایل جلب نشدن تجار به این پارک نبود برق می باشد.

به نوشته نشریه، موجودیت جنراتور برق هم خودش برای پارک صنعتی مشکل ایجاد کرده، زیرا سربازان امریکایی برای حفظ امنیت آن راه ها را بسته کرده اند و مردم به مشکل میتوانند از پسته های آن بگذرند، در چنین حالت سرمایه گذاران نمیتوانند به آزادی در این پارک صنعتی در شور اندام قندهار کار کنند.

نشریه فارن پالیسی به یک پارک صنعتی دیگر که بامصرف هفت ملیون و هفت صدهزار دالر در منطقه گوری مار ولایت بلخ اعمار شده است اشاره می کند که تمام دفاتر و مراکز آن خالی است. به نوشته فارن پالیسی اداره سرمفتش باز سازی امریکادر افغانستان بزودی گزارش خود را در مورد پارک صنعتی سومی که در بگرامی اعمار شد، در اخیر امسال به نشر خواهد رساند.

تمام این پروژه ها توسط برنامه انکشاف بین المللی امریکا یو اس آی دی تمویل شده اند.

افغان مینی مارکت عرضه کننده انواع مواد خوراکی و طبی

یگانه مغازه افغانی در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، انواع میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم میکند ارسال پول به تمام دنیا بزودترین فرصت با

Western Union

6566 Backlick Rd. Springfield, VA 22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

لغزش زمین در خواهان ده منزل را تخریب کرد

۲۵ اپریل / بدخشان - تلویزیون نو: در پی لغزش زمین در ولسوالی خواهان ولایت بدخشان بیش از ده منزل مسکونی تخریب شده است. محمد غفران ذکی ولسوالی خواهان در تماس تلفونی به تلویزیون نور میگوید بدین رویداد روز پنجشنبه در روستای (جیرو بالا) روی داده و در حال حاضر پنجاه منزل مسکونی در معرض فرو ریختن قرار دارد. وی تأکید میکند که هم اکنون باشندگان این روستا در هوای آزاد به سر میزنند، و اگر به آنان کمک های فوری نرسد، احتمال تلفات سنگین انسانی وجود دارد. (اداره امید: درباره لغزش زمین، در همین شماره پژوهش علمی جناب اتجنیر عبد الصبور فروزان به نشر رسیده، که مطالعه آن برای مسئولین در داخل کشور یاری فراوانی در جلوگیری از چنین آفت های طبیعی ارائه میدارد.)

نگرانی رئیس مجلس از اوضاع امنیتی شمال

۲۵ اپریل / کابل - بی بی سی: عبدالرؤف ابراهیمی رئیس مجلس نسبت به ناامنی در شمال کشور ابراز نگرانی کرده خواستار پاسخگویی مقام های امنیتی درین مورد شد. آقای ابراهیمی در جلسه عمومی امروز مجلس گفت اوضاع امنیتی شمال افغانستان مانند وضعیت وزیر ستان شمالی پاکستان شده و تأکید کرد که (این یک واقعیت است). بگفته اودر ولایت های بدخشان، تخار، قندوز، سرپل، فاریاب، سمنگان، بادغیس و چند ولایت جنوبی و شرقی مانند غزنی، هیرمند و ننگرهار جنگ های شدیدی جریان دارد و مراکز شهری در محاصره و تیررس دشمن قرار گرفته است. وی ضمن آنکه وضعیت در شمال را نگران کننده خواند و گفت اگر تدبیری سنجیده نشود، شهرهای افغانستان تا یک هفته یاده روز دیگر یکی پی دیگر سقوط خواهد کرد. رئیس مجلس اظهارات غنی احمدزی مبنی بر اینکه وقت خود را به موضوع امنیت در کشور اختصاص داده، خلاف واقعیت شمرد و تأکید کرد باید به مدیریت وزارت دفاع و ولایت های کشور توسط افراد سرپرست هر چه زودتر پایان دهد.

تا این اواخر که ۲۵ وزیر افغانستان از مجلس نمایندگان رای اعتماد گرفتند، همه وزارتخانه ها و ولایتها از سوی سرپرست ها اداره میشدند. وزارت دفاع، چند اداره مستقل و بیشتر ولایتها هنوز هم توسط سرپرست ها اداره می شوند. رئیس مجلس از نمایندگان خواست سئو الهای خود را درین خصوص در جلسه با حضور مشاور امنیت ملی و سایر مقام های ارشد امنیتی کشور در یکی از جلسات بعدی مجلس نمایندگان در میان بگذارند.

شکر به پیکان نماینده ولایت قندز هشار داد: وضعیت قندوز وخیم است. قندز سقوط می کند. هر روز جنگ است. فراموش نکنید که سقوط قندوز [به معنای] سقوط شمال است و سقوط شمال سقوط افغانستان است. بالاخره اگر کسی به وضعیت قندوز توجه نکند، افغانستان سقوط خواهد کرد.

حبیبه دانش نماینده ولایت تخار گفت: این ها (شورشیان) کوشش دارند نقاط ستراتیژیک را بگیرند. در تخار وضعیت از لحاظ امنیتی بسیار خراب است. وضعیت بعدی بحرانی است که وضعیت بسیار امن نام ساخته می شود و ما داریم نگاه می کنیم.

در همین حال عبدالله رئیس اجرائی هدف طالبان را ایجاد رعب، وحشت و ترس در بین مردم دانسته است.

این درحالیست که اخیرا هم طالبان و هم وزارت داخله از آغاز عملیات بهاری خود علیه یک دیگر خبر داده اند.

اصابت ۴ راکت در روز نخست عملیات طالبان در غزنی

۲۴ اپریل / غزنی - صدای امریکا: موسی خان اکبر زاده سرپرست ولایت غزنی در کنفرانس مطبوعی عصر امروز جمعه نتایج ۴۸ ساعته عملیات تصفیوی نیروهای افغان را به رسانه چنین بیان کرد: در این عملیات که ۴۸ ساعت از آن می گذرد خوشبختانه ۶۵ نفر از مخالفین مسلح به شمول چندین قوماندان آنان و اتباع پاکستانی که در ساحات مختلف غزنی بخصوص ولسوالی های گیلان ومقر این ولایت راه اندازی شده بود کشته شده و ۴۱ نفر دیگرشان زخمی شدند. اکبر زاده گفت طی امسال ۱۲۷ تروریست درین ولایت دستگیر شدند که به همین دلیل گراف ترور در این ولایت به صفر رسیده است.

این درحالیست که صبح امروز با آغاز عملیات تحت نام عزم ازسوی طالبان مسلح در افغانستان، چهار راکت بر مرکز شهر غزنی اصابت کرد که مسئولین حکومتی میگویند برخورد این راکتها هیچ نوع تلفات و خساراتی بدنبال نداشت. طالبان طی اعلامیه ادعا کرده اند در پنج ساعت اول آغاز عملیات شان در کشور بیش از ۱۰۸ حمله بر نیروهای امنیتی افغان و خارجی را انجام داده اند.

اسدالله انصافی آمر امنیت این ولایت در این باره می گوید به فضل خدا در عملیات خنجر نیروهای امنیتی و آغاز عملیات بهاری دشمن حتی یک انگشت افراد ملکی و نیروهای امنیتی افغان آسیب ندیده است و نیروهای امنیتی ما بخصوص اردوی ملی از توانمندی بالای در مقابل دشمن برخوردارند.

PROTECT YOUR WORLD

AUTO • HOME • LIFE • RETIREMENT

Allstate

AF Insurance Group

(703) 348-6247

13044 Fair Lakes Shopping Center

Fairfax Virginia 22033

abdufitrat@allstate.com

We speak Farsi, Pashto, Urdu/Hindi and Arabic.

Insurance and discounts subject to terms, conditions and availability. Allstate Property and Casualty Insurance Co. Life insurance and annuities issued by Lincoln Benefit Life Company, Lincoln, NE. Allstate Life Insurance Company, Northbrook, IL, and American Heritage Life Insurance Company, Jacksonville, FL. In New York, Allstate Life Insurance Company of New York, Hauppauge, NY.

Northbrook, IL. © 2010 Allstate Insurance Co.

بیجه استیت فارم

LIKE A GOOD NEIGHBOR,
STATE FARM IS THERE.®



For your insurance and financial needs, see State Farm agent:
Afzal Nasiri, Agent
8704 Sudley Road
Manassas, VA 20110-4405

703-369-6224

ماری خلیلی، افضل ناصری

خانه، موتو، صحت
حیات، تجارت



احمدزی به دربار آخوند روحانی رکوع کرد



این موجود حقیر احمدزی ملعون بارکوع به مقابل آخوند روحانی منافق ایرانی، جهت دریافت پول از رژیم وحشی ایران، عزت و آبرو و حیثیت ملت بزرگ افغانستان را بر باد داد. لعنت خداوند بر او و مشاورین کنیفش باد! لطفاً به توضیح کاریکاتور شمس الحق حقانی در صفحه آخر نگاه فرمایید، تا حقیقت را دریابید.

ارگ گرفتن پول از ایران و امریکا را توقف داد

۲۱ اپریل / کابل - صدای امریکا: حکومت وحدت ملی افغانستان، به ویژه دفتر رئیس جمهور، از کشور یا سازمانی درخواست کمک مالی نکرده و روند پرداخت پول نقد به ریاست جمهوری از سوی سازمان های اطلاعاتی خارجی، توقف یافته است. اجمل عبید عابدی، سخنگوی رئیس جمهور گفت دولت و رئیس جمهور افغانستان به شفافیت و حساسیتی باور دارد و به آن تعهد دارد و بنا بر همین اساس ریاست جمهوری نه تنها از ایران بلکه از هیچ حکومت و مرجع دیگری پولی را نه دریافت کرده و نه در آینده پولی را خواهد گرفت. عابدی این اظهارات را پس از سفر دو روزه رئیس جمهور غنی به تهران بیان داشت.

گرفتن پول نقد از حکومت ها و سازمان های خارجی آت هم بیرون از ساختار های بودجوی و نظارتی، در ریاست جمهوری به گذشته نزدیک بر میگردد. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان در سال ۲۰۱۳ با تایید این خبر که دفترش از سازمان اطلاعاتی امریکا (سی آی ای) و جمهوری اسلامی ایران (خریطة های پول نقد) میگرفت، خبر ساز شد. مبالغ نقدی را که ارگ در گذشته از سی آی ای و ایران گرفته مشخص نیست اما به طور مجموعی در حد میلیون ها دالر تخمین میشود. کرزی همچنان گفته بود که پول های سی آی ای و ایران از طریق دفتر مشاور امنیت ملی او برای مقاصد مختلف چون پرداخت کرایه،

تداوی در خارج و مساعدت های مالی به مصرف می رسید.

تقدینه های ایران و امریکا به اضافه بودجه رسمی ریاست جمهوری افغانستان بود اما جگونگی مصرف آن تحت نظارت هیچ نهاد دولتی نبود. این هم معلوم نشد که در مصرف این پول ها کی نزد کی حسابده بود.

توقف کمکهای نقدی به ارگ در حالی بیان میشود که حکومت افغانستان با خلای مالی و کاهش عواید داخلی مواجه است و قانونگذاران در بودجه سال روان مالی، تخصیص بیش از سه میلیون دالر را برای مصارف ریاست جمهوری، به استثنای مصارف امنیتی، تایید کرده است.

یک صدو چهار طالب مسلح کشته شدند

۲۵ اپریل / کابل - باختر: نیروهای امنیتی افغانستان در جریان فعالیت های امنیتی شان که در ۲۴ ساعت گذشته انجام شد ۱۰۴ طالب را کشتند. دفتر مطبوعاتی وزارت امور داخله میگوید نیروهای امنیتی در جریان ۲۴ ساعت گذشته چند مورد فعالیت امنیتی را در ولایات فاریاب، جوزجان قندهار، زابل، وردک، غزنی، بادغیس، قندز، فراه، هرات، پکتیا و هیرمند راه اندازی نمود که منتج به کشته شدن ۱۰۴ طالب شد. در بین فعالیت ۸۹ طالب هم زخم برداشته و یک طالب بازداشت شده است.

طالبان بیشترین تلفات را در ولایات فراه، هیرمند، بادغیس و قندز متحمل شده اند. بکنداد جنگ افزا را این گروه بدست نیروهای امنیتی افتاده و دهها حلقه ماین کارگذاری شده ازسوی این گروه بی اثر ساخته شده است.

طالبان در حالی متحمل تلفات سنگین میشوند که فقط چند روز قبل در یک جنگ روانی اعلام داشتند که عملیات بهاری را به نام عزم آغاز کرده اند، مگر در اولین روزها نتیجه عملیات شان را گرفتند.

در همین حال نیروهای امنیتی هفت حلقه ماین کارگذاری شده از سوی طالبان را از ولایت های لغمان و کندز دریافت کردند و از وقوع چند حادثه تروریستی جلوگیری کردند.

طالبان یک داماد را بایر و برادرش در شب عروسی به شهادت رساندند

۲۵ اپریل / فراه - باختر: در حمله طالبان بر کاروان مو ترهای عروسی، سه تن بشمول داماد شهید شدند. دلچان خاکسار بی آمر امنیت قوماندانی امنیه ولایت فراه گفت: این رویداد در منطقه شور آب مربوط شهر فراه زمانی رخ داد که طالبان کاروان مو ترهای عروسی که از خانه عروس بر میگشتند، توقف داده و داماد، پدر و برادر او را با خود بردند و به قتل رساندند. شاهدان عینی میگویند که طالبان پنج نفر بودند و لباس پلیس به تن داشتند، آنان شرکت کنندگان عروسی را نیز تهدید به مرگ کردند. خاکریزی میگویند مهاجمان پس از قتل از محل فرار کردند. یک شاهد عینی میگوید طالبان وسیله نقلیه نوع سراج در اختیار داشتند و بلافاصله پس از قتل از ساحه فرار کردند. او گفت زمانیکه افراد مسلح مو تر داماد را متوقف کردند به همه اخطار دادند که منطقه را ترک کنند تمامی ماتر سیده بودیم و مردم محل را ترک کردند. تاهنوز فرد یاد گروهی مسئولیت حمله را بمعده نگرفته اند اما مردم میگویند طالبان به مراسم عروسی حمله کردند.

یادداشت مدیر **آغاز بیست و چهارمین سال نشرات امید**
منت خدای را عز و جل ، که به الطاف بنده نوازانہ اش، این عاجز را توفیق عطا فرمود تا طی بیست وسه سال، نهصد و نود وشش شماره هفته نامهٔ امید را، بااخلاص تمام به هموطنان گرامی تقدیم بدارم .

نخستین شمارهٔ هفته نامهٔ امید به تاریخ ۲۵ اپریل ۱۹۹۲ برابرپنجشنبه پنجم ثور ۱۳۷۱خورشیدی، باآیهٔ مبار که ازسورهٔ النساء (والله غالب علی امره ولکن اکثر الناس لا یعلمون) وباخبر(امروز شنبه پنجم ماه ثورسال ۱۳۷۱ رژیم ملحد ودست نشاندهٔ روسیه در کابل، بعداز ۵۱۰۸ روزحکمرانی، ساقط شد)، و(اظهارات قوماندان احمدشاه مسعود در بارهٔ وقایع جاری کشور) وبخشی ازغزل دلنشین حضرت مولایای بلخ (اندک اندک اندک جمع مستان می رسند ـ اندک اندک می رستان می رسند؛ اندک اندک زین جهان هست ونیست ـ نیستان رفتند و هستان می رسند...) درچهارصفحهٔ معمولی وبصورت فوتوکایی با تیراژ پنجصدنسخه، درشهرهیواد، شمال کالیفورنیا انتشاریافت. اما پس از دوروزتقاضابرای چاپ مجدداًن احساس شد که باچاپ پنجصد نسخهٔ دیگر شمارهٔ نخست وبارسال چند نسخهٔ آن به دوستان در اروپا و کانادا، شمارهٔ دوم باتیراژ ۱۵۰۰چاپ شد، و تا ۲۵۰۰ نیزرسید. از آغازدومین سال، امیدبه قطع فعلی وباتیراژ ۳۵۰۰ وافزایش صفحات به ۱۲، سپس ۱۶، گاهی ۲۰ وچندین شماره هم ۲۴صفحه عرضه گردید. تعدادمشتربین افزون از هزار و از سراسرجهان شد، فرونی خریداران تک شماره ازماغازه های افغانی درامریکا واروپا، با افزایش اعلانات کثیر و صفحه پر، مصارف چنین تیراژ را میسر ساخت، وبرخوانندگان امید درسراسر ایالات متحده و ازآسترالیاتا کانادا، ازداخل کشورتا هند و جاپان، عربستان سعودی وامارات و اروپاافزوده شد. یحمدلله

پیش ازهفته نامهٔ امید، بنده درسالهای۸۹-۱۹۸۸دوازده شمارهٔ (مجلهٔ خراسان) را ازآدرس (افغان سنتر) درشمال کالیفورنیا به هموطنان عرضه داشتتم، سپس درسالها۹۲-۱۹۹۰ دوازده شمارهٔ (مجلهٔ نامهٔ خراسان) را ازآدرس(اتجمن فرهنگی مهاجرین افغانستان در کالیفو رنیا)، که شادروان غلام حضرت کوشان، پدرم، ریاست اتجمن را بدوش گرفته بودند، به چاپ رساندم، که نویسندهگان بزرگ افغانستان درغربت با آن دومجله وهفته نامهٔ امیدهمکاری داشتند، از جمله مرحومان داکترعلی رضوی غزنوی، سیدشمس الدین مجروح، سیدقاسم رشتیا، میرمحمدصدیق فرهنگ،عبدالرحمن پژواک، غلام حضرت کوشان، داکتر عبدالغفور شرر، کبیراحمد آهنگ هروی، یابنده محمدکوشانی ، داکتراختر محمدمستمندی، عزیز نعیم و شماری دیگر، که ارواح شان شاد باد !

ازعزیزانی که الحمدلله درقیدحیات اند، جنابان داکترعبدالغفورروران فرهادی، سیدفقیر علوی، محمدسعیدضی، عبدالودودظفری، داکتر محمداسلم خاموش، محمدتیم کبیر، پروفیسر داکتر عبدالواسع لطیفی، پروفیسر داکتر حمید هادی وهسسر شان بانو عقیقه هادی، انجنیر عبدالصبور فروزان، داکتر عبدالوهاب هادی، فرهاد میرزا، استاد عبدالرشید بینش، استادعبدالله سمندرغوریانی وهسسر شان بانو غوریانی، بانو ماری خلیلی ناصری، داکتر عنایت الله شهرانی، داکتر محمدافضل افضلی، خواجه بشیراحمدانصاری، عبدالعلی نوراحراری و دانشمندان گرامی دیگر، که اسمای گرامی شان را ین شاءالله در هزارمین شمارهٔ امید خواهم آورد .

خط نشراتی امید، از آغاز تاامروز وتاماشاءالله چنین است: دفاع از منافع ملی ملت، تمامیت ارضی کشور، عدالت اجتماعی میان تمام باشندگان افغانستان، مبارزهٔ پیگیرانه دربرابر افرون خواهیها، برتری طلیها، اکثریت خواندن واهی بخشی از مردم کشور، کوفتن قبیۀ مردم به نام اقلیت، ودریک کلام ایستادگی مستدل و منطقی دربرابرفاشیسم قومی، زبانی، سمنی و هرونوع دیگر، ازطرف هرقومی که باشندهٔ اربابانی کهن، خراسان اسلامی وافغانستان امروز بوده اند وپس ازین هم می باشند.

روشن ساختن حقایق تلخ تاریخی سرزمین ما، نقش جهاد ومجاهدین واقعی درآزادسازی کشور، وتاثیرات آن پیروزی درمقیاس جهانی وآزادی بسا از کشورهای تحت سلطهٔ شوروی مرده، تجلیل ازمنامت ویاکی وی آلاشی، وطن دوستی وصدافت رهبران جهاد ومقاومت ملی، بویژه قهرمان ملی شهیدسعید آمرصاحب احمدشاه مسعود رحمه الله علیه . رسواسازی دسیسه های جنرالان وآی اس آی پاکستان و نوکران واجیران شان بنام طالب، چه با ابزار ولنگوته و چه بادریشی ونکایی، ونابکاران مزدورشان در جتاینخانهٔ ارگ وهیئت وزیران و سایردستگاهها درافغانستان، و نیز سایر دشمنان ملت ما .

نکات گفته شده، نصب العین همه همکاران قلمی امید بوده، مگر چنانچه اشخاصی نظری متفاوت ارائه کرده اند، نیزدرامید فرصت چاپ یافته است، ولی نظرات سخیفانهٔ فاشیستی و وطن دشمنانه هرگز دراین نشریه انتشار نیافته و نخواهد یافت .

باطلب برقراری صلح وسلم درسرزمین بخت برگشتهٔ ما، سال بیست و چهارم امید را به فال نیک گرفته، به این مناسبت به همهٔ همکاران قلمی، دوستداران امید، مشترکین ارجمند، مهرنانی که باسخاوت به دستگیری مالی امیدمیرداند و همکاران اداری جربیده، بانو داکتر تمیله کوشان هسرم، ومحمدعصیم کوشان پسر دومم، که مرا در تمام بیست وهشت سال عمرمطوعانی ام ازمراحل تهیه، چاپ، آماده ساختن لیست مشترکین، و ارسال آن به مشترکین عزیز، یاری رسانیده اند، صمیمانه عرض تشکر وسپاس میکنم، وبرای همهٔ شان توفیقات مزید ازبارگاه خداوندمهربان نیاز مینمایم .

طوریکه درشمارهٔ پیش به استحضارهمگان رسانیدم، به خواست الهی وبه شرط حیات، باتوصیهٔ عدهٔ زیادی ازمشترکین گرامی، انتشارامید رایس از هزارمین شماره نیز ادامه خواهم داد. اما ومگر ولاکن، چنین امری کاملاً درگرو همت و کرم مشترکین عزیز ودوستداران امید است، تا بالارسال مرتب اعانات و وجه اشتراک + اعانهٔ سروقت، امکان ادامهٔ چاپ نشریهٔ شان را فراهم بسانند، بعون الله تعالی . معروضه ام را باهشدار به مثلاً رهبران دو گانهٔ فعلی، اززیان شادروان استادسرخ وسرور شاعران کشور، استادخلیل الله خلیلی علیه الرحمه به پایان می برم که فرمود :

شیدم زدروش روشن روان
بکوبیده گوش دو میخ حدید
در آردبه چشمش دو میخ دگر
یکی میخ دیگر گذارد نهان
چو داری توبرصدرعزت قرار
که چون سفله را بر کندآسمان
که حرف حقیقت نباید شنید
که حق گرداز دیده اش مستر
که چون حکم عزلش رسدناگهان
بر آن میخ پنجم نظر بر گمار !



Omaid Weekly

P.O. Box 30818 Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

انجنیر عبدالصبور فروزان

لغزش زمین بدخشان. تراژدی که قابل جلوگیری بود

«اگرپای بزی در سوراخ پلی در بغداد رود و بز افکار شود، عمرمسئول و جوابده آن می باشد.» (ازفرامین امیرالمؤمنین عمر رض درمدینه)
بادرودی یایان به روح پاک خواهرعزیزما شهیدفرخنده، که مظلومانه توسط عدهٔ ازجوانان اوایش و جاهل به وحشیانه ترین وجه به شهادت رسید، وداعی درسینه و اشکی درچشمان هرانسان با احساس گذاشت؛ و بادرود و تحیات فراوان به روح آن انسانهای بی گناه بارهنهٔ بی آب ویی نان، که توسط حادثهٔ غم انگیز لغزش زمین درسال پار درقریهٔ آب برک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان، جان های عزیز شانرا ازدست دادند، وجسدهای توتِه وپارچهٔ شان هنوزدر زیرانبارهای عظیم خاک باقی مانده، وبازماندگان وعزیزان شا به سوگ شان نشسته اند، خواستم مطالبی چند درمورد اینکه چرازمین لغزش ماه می سال گذشته درآن قریه واقع شد، آیامکانات جلوگیری یا کاهش خسارات جانی ومالی آن ممکن بود وآبادرآینده چنین حوادث دلخراش درآن منطقه ومناطق همجوار تکرارخواهدشد، خدمت خوانندگان جریدهٔ وزین امید ارائه بدارم .

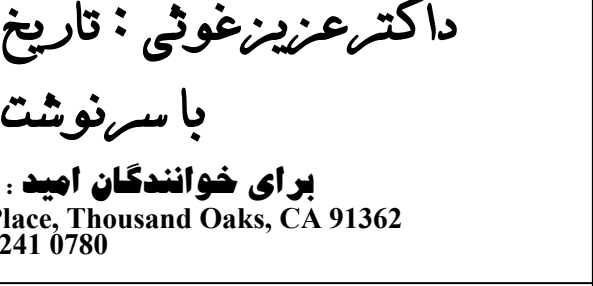
اما پیش ازآغازمطلب، میخوام دردی را که شهادت مظلومانهٔ خواهر عزیزما فرخندهٔ شهید درقلم بجا گذاشته، وساعتهاپخاطر این دخت بیگناه ومظلوم وطن گریسته ام، باشما درمیان بگذارم . ازجوانان جاهل و اویش ولوگرد شکوهٔ ندارم، ولی سرفر رئیس جمهور کشور درحالیکه دروطن یک ظلم، یک فاجعه و یک درنده خویی درحق یک دخترپاک و بیگناه دمحضرعام ودرپیش چشمان قوای امنیتی واقع شد، که نظیرش در تاریخ بشریت دیده نشده است، مراسخت متأثر ساخته ونهایت دردمند کرده است . رئیس جمهورحیثیت پدر ملت را دارد، واین انسان بی احساس خودپرست وقوم پرست، بدون درک این مطلب، بار ونه بسته وباهفتاد تن به دستبوسی وبابوسی امریکایی هامی آید ! در وطن مردم جگرخون هستند ودربای تلویزیونها ازدیدن صحنه های وحشیگرانه وشهادت مظلومانهٔ خواهر عزیزفرخنده اشک میریزند، مردم نه تنهادروطن بلکه درسراسرجهان به یاداین دخترک وشهادت مظلومانه اش درخیابانها برآمده، کار و بارخود را رها کرده گردهمای هامیکنند، نمازجنازهٔ غیابی برایش میخوانند و دعا ها به روح پاک اومیکنند، میگیرند وغم دردل دارند، ولی آقای رئیس جمهور ! احمدزی درامریکا ازضیافتی به ضیافت دیگر میرود ودرهمجلس و ضیافت حاضرین رامزاح هاو بذله گویی ها به خنده وجوش می آورد، وخود چون دلقکی فقهه می خندد وشادمانی می نماید .

من به حیرت بودم که این رئیس جمهورچطورانسانی است وجه نوع قلبیی دارد که این حادثهٔ جاسوز دراو اثری نکرد؟! من باخودمیگفتم که اگر اوواقعا رئیس جمهور کشوراست، بایدسفرخودرا به تعویق می انداخت وبآآنراقطع مینمود وبه وطن برمیگشت وبادستهای خود فرخندهٔ شهید را به آرامگاهش می گذاشت، وسه روزدر فاتحه اش می نشست وبه اواما و امریکایی هامیگفت که دخترم شهیدشده است، به ضیافت ومهمانی شما آمده نمی توانم ! ولی برعکس، او ازضیافتی به ضیافت دیگررفت وخندید وبذله گویی کرد، شادمانی نموده و ماهیتش را به ملت نشان داد که نمایندهٔ ملت نیست، اوجیزی بجز از یک دلقک چاپلوس دست وبابوسی نیست، که نه احساسی درسینه دارد ونه غیرتی درسر ! عجب اینکه مطبوعات امریکاپخاطرا اینکه سفراحمدزی خوش بگذرد، وخاطرش پربشان نگرده، بازتابی ازین فاجعهٔ الم انگیز واین وحشت بینظیر تاریخ نداشت، واز فرمول (توبه من ومن به تو) استفاده کرد .

لغزش زمین معضلهٔ عمدهٔ در جیوانجنیریی است که سالانه تعداد زیادی قربانی آن میگردند، وخسارات هنگفت مالی ربابعث میشود. نشیب اراضی وقوهٔ جاذبهٔ زمین در بوجود آمدن زمین لغزش هادو چیز ضروری است. چون قوهٔ جاذبهٔ همگانی است پس هر جاییکه اراضی نشیب داراست، وقوع زمین لغزه درآن حتمی است، ولی تدابیر جیوانجنیریی موجداست که با استفاده از آن میتوان از وقوع لغزش زمین جلوگیری کرده یاحداقل میزان تلفات آنرا کاهش بخشید. مسئولیت طرح و تدوین چنین پلان ها بدوش دولت هاست و دولتمندان در برابر تلفات آن جوابگو میباشند.

یکسال قبل بتاریخ دوم ماه می لغزش زمین درقریهٔ آب برک واقع شد که بیش از ۲۷۰۰ باشندة این قریه به زیرانبارهای عظیم خاک زنده مدفون شدندو بازماندگان شان حتی نتوانستندجسدهای آنان را از زیرخاک بیرون نمایند. این فاجعهٔ دردناک بروز جمعه واقع شد که میزان تلفات رافزایش بخشید، چون بیشتر مردم درخانه ها باخانواده های شان بودند. مردم باوسایل معمولی بییل و گلنگ ایتارعظیم گل و مدراحفر میگردند تامگر جسد عزیزی را از بیرون نمایند، باچهره های خونین و چشمان پراشک هریک تلاش میکرد تا بستگانش را از زیر آواربر کشند، گرچه همه میدانستند که با آن وسایل کاریجایی نمی رسد، مگر محبت عزیزان مانع میشد که از تلاش دست بردارند. آبله های دست بیشتر میشد، خون از میان پنجه هایبرون می جهد ولی بازماندگان دردمند در حالیکه صدای هلیکوپترهای حامل مقامات دولتی گوشهای شانرا اذیت میکرد، به تلاش خودبیشتر می افزودند تا مگر جسدعزیز ودلبندی راییابند. در گوشهٔ دیگر تعدادی از مقامات دولتی بالباسهای تمیز بالای قالینهای سرخ مجلس کرده در حال چنه زدن بودند ودر فکر بهره گیری مالی وسیاسی ازین فاجعهٔ غم انگیز ! ولسوالی آرگو که قریهٔ آب برک جزء آنست، در شمال ولایت بدخشان واقع است که از سرحدات چین وتاجیکستان چندان فاصلهٔ زیادی ندارد، ولی از دیدگاه عمران وآباد وآسایش صدهاسال از آنها عقب مانده وهرگز قابل مقایسه نیست. مدتهاست که نه تنها اقدامی بلکه توجهٔ ناچیزی برای بهبود زندگی در آنجا صورت نگرفته است، مردم آن ازداشتن برق وآب آشامیدنی محروم اند وتاسیسات صحی در آنجا وجود ندارد، وضیعت تعلیم وتربیه بحالت محلی و ابتدایی است، جاده در آنجا ساخته نشده وحیانا اگر راه رفت وآمدی وجود دارد، تخریب شده وصعب العبور گردیده است. اهالی آن بایدساعتها پیاده بروند تا به فیض آباد مرکز ولایت برسند، وضرویات روزمرهٔ خود را تهیه نمایند، و یامرضی را به داکتر برسانند وباینکه حاصلات زراعتی وحیوانی خود رابفروش بربانند. زمین زراعتی آبی در آنجا کمتر است، و بیشتر زمین ها لمی بوده، زراعت لمی وشبانی پیشهٔ مردم آن است. این حالت عقب مانی ییحد وحصر، تلفات جانی و مالی فاجعهٔ لغزش زمین ماه می را افزایش بخشید وهمکاری عاجل و اولیه به وقت وزمانش به قربانیان حادثهٔ نرسید، (دنباله در صفحهٔ ششم)

افغان فونديشن تقدیم می کند :



داکتر عزیز غوثی : تاریخ افغانستان از ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳

با سرنوشت هفت پادشاه ما

برای خوانندگان امید : ۲۵ دالر (شامل هزینه پست)

The Afghan Foundation, 2242 Peak Place, Thousand Oaks, CA 91362

Telephone: 805 241 0780

داکتر غلام محمد دستگیر
برومفیلد - کلورادو
روز پنجشنبه ۲۸ حوت ۱۳۹۳ مطابق ۱۹مارچ ۲۰۱۵ واقعهٔ دلخراش و تکان دهندهٔ که قلب هزاران انسان بشر دوست را جریحه دار ساخت، در قلب کابل در برابر مسجد شاه دوشمشیره رخ داد.فرخنده جوان ۲۷ ساله که از دارالعلوم عایشهٔ صدیقه فارغ و مشغول فراگرفتن درس تجوید بود پلان داشت تا در هفتهٔ اول سال ۱۳۹۴ اسپری کردن امتحان کانکور فارغان صنف چهاردهم به تحصیلات عالی اش دردانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل دوام دهد. فرخنده قاری قرآن پاک ومبلغ دین هم بود. روز پنجشنبه فیصله کرد تا زایلدر یکصدافغانی که حدود دودالرمیشود تقاضا کند تا در راه برگشت از زیارت شاه دوشمشیره، دفترچه یخرد. فرخنده در راه زیارت اول به مسجدرفته آنرا پاک میکند، بعد به ملایی که به خانهای ساده و بیسوامثل یک گرگ درنده در لباس روحانی بود، تعویذات دروغین و فریبنده برایشان مهیا ساخته، آنچه دربر و جان وجیب شان است از آنها بغارت بیرد، وروبرومیشود تا ازین خرافات و روش بیهوده جلوگیری نموده اورا بازماند. بااین ملای تعویذ ده، قرار گفتهٔ خپلواک صافی عضو کمیسیون تحقیقات این وحشت مشاجرهٔ لفظی، بین فرخنده و ملا رخ میدهد. فرخنده میخواست که آن ملا مردم را به بدعت تشویق نکند وملا که مجاورمسجد هم میباشد، اوراق سوختهٔ قرآنی را که ازسالهپاقل در سقف این زیارت نگهداری میشد، به مردم نشان داده ادعا کرد(فرخنده قرآن را آتش زده است). نا گفته نباید گذشت که: بعضی ازین تعویذو نوسان درحالیکه ملا نیستند، جاسوسان دولت وبادیرگ اجتنها بوده میتوانند. یکعمداد دیگر شان چون سایکولوجست خوب مردم مانند دروغ های براست برابر میگویند که مشتری را مریدشان میسازد، بااینکه چالهای مداری گری دارند. یخاطر دارم از یکی از خانه های کابل، تعویذی یافت شد که معلوم میشد خانم برای شوهر خود با پول هنگفت از تعویذو نوسان سرشناس کابل گرفته بود، باعرض معذرت، در آن تعویذو شته شده بود؛ قضیب...درمهل یی بی.. باشه وباشه و باشه... متأسفانه چندهفته بعدشوهرخانم دیگر میگردد و زن به اصطلاح با اولادش سیه بخت میشود. مثال دیگر اینست که یکی از دوستها از لندن برایم تلفون کشیده درقسمت تدای تشخیص جدیدش که کانسر معده بود معلومات خواست. برایش گفتم ممکن یکدوره کیمو تراپی شود و بعد باید هرچه زودتر عملیات جراحی اجرا شود. سه هفته بعد که خبرش را گرفتم و از عملیات معده اش پرسیدم گفت: عملیات نکردم زیرا برادرم از کابل برایم شویست آورد. متأسفانه باتأخیر همکاری با انکو لو جستها چندماه بعد فوت وخاتم واولادش را در دیاربیکانه تنها ویی سرپرست گذاشت. به اینترتیب این تعویذ نوسان هزاران نفر را براه های غلط رهنمون ساخته اند .

چندین مرد، فرخنده را وادار میسازند بگویند: قرآنکرم راسو ختانه است . خانم فرخنده به(مردان خشمگین) میگوید: من قرآن شریف رانسو ختانه ام. گپ مراباور کنید! درین مصاحبه فرخنده باحجاب کاملاً اسلامی که فقط دو چشمش معلوم است بامردان خشمگین صحبت میکند. درینوقت چند نفر که اکثر شان جوان اند بالحن بسیار تند بافرخنده صحبت نموده اورا تهدید بمرگ می کنند. ومیگویند: گپ بزنی دهنّت را میشکنایم. بعد با مشت وجوب بالای او حمله میکنند وازسیرینها براوفرن و دشنام حواله میشود، لت وکوب برتن نحیش واردمیگردد وفرخنده باصدای حزین نعره میزند: نزیند... نزیند! اما خون ازسر و رویش جریان میآید. لباسهای این زن رادر محضر عام از جانش میدرنند. از جسد نیمه جانش مو تری قصداً گنر میکند وبعدجسدش توسط این دسته جاهلان از دین، شریعت وقانون بیخبر به بستر خشک دریا افکنده میشود و مردان نامردی بر جسد نیمه جانش تیل میریزند وجسد این مومنهٔ مسلمه را که ممکن از همهٔ این بیخردان بصورت کل از دین وایمان بهتر برخوردار بوده، آتش میزنند. روحش شاد وجایش فردوس برین باد.

پیکردغال شدهٔ فرخنده روز ۲حمل ۱۳۹۴، به اشتراک شمار زیادی از مردم کابل، عقالین مدنی، جنرال ظاهر، توسط خانهایتی که اجازه ندادند مردان به تابوت اونزدیک شوند، وشرکت کنندگان در حالیکه شعار عدالت عدالت! را آواز میدادند، در منطقهٔ پنجصد فامیلی در شمال شهر کابل آنچه از فرخنده مانده بود پخاک سپرده شد. درین مراسم خاکسپاری، به داکتر محمداباز نیازی راه نداده اورا مجبور کردند محل برگزاری مراسم را ترک کند !

متأسفانه، پلیس که درچنین وقایع از مردم باید حمایت کند و انها را ازشر اوایشان وقطاع الطریقان محفوظ دارند، آنچه لازم بود مهیا ساخته توانست؛ می گویند دختران جوان باترس از حمله بر آنها هم به دکانهاپناه میبردند. این روش ازانر تربیهٔ نادرست افراد پلیس باز طرف مراکز تدریسی وتعلیمی آنان است، که ملیونها دالر برای تدریس وتعلیم چنین وقایع بمنصرف رسیده است. قرارخبریکه شام شنبه ۲۸ مارچ ۲۰۱۵ از تلویزیون آریانا بیوز پخش شد پلیس ۴۶ نفر را دستگیر نموده که شامل ۱۹ پلیس، ۲۷ ملکی بوده ۲۸ نفرشان با تکمیل دوسیه به دادستانی کل معرفی شده ۱۱ نفر دیگر تحت تعقیب میباشند. خدا کند به برکت روح پاک شهیدفرخنده، پلیس وقضات بیدار شده، جلوحشونهای طاقت فرسا در مقابل زنان، اطفال، پیر و جوان را گرفته نگذارند اینگونه وقایع وحشتناک باز بر مردم افغانستان تجربه شود .

پدرفرخنده که نادر نام دارد وانجنیر است ادعا کرد که: عبدالرحمن رحیمی، فرماندهٔ پلیس از اوخواسته بود تا به تلویزیون طلوع بگوید دخترش از بیسماری روانی رنج میبرد است. همچنین از اوخواسته بود تا جنازهٔ فرخنده را مخفیانه دفن کند و خانواده اش رانیز شبانه از کابل خارج کندو بولایت خودش (کاپیسا) بیرد. فرماندهٔ پلیس کابل به این پدرداغذیده وجگر یاره که ازغم مرگ دختر جوان ومومنه اش اشک درچشمانش خشکیده بود، گفته است: همانظوریکه پلیس توانست ازدخترش محافظت کند، از خانوادهٔ اوهم نخواهد توانست محافظت کند. فرمانده پلیس آقای رحیمی، بای بی سی دربارهٔ صحت ویا رد ادعای پدر فرخنده از صحبت ابا ورزیده است. قرار را یوری بی سی یک مقام ارشد پلیس کابل به اتهام حمایت از قتل فرخنده برکنار شد .

عکس العملهای عجولانه بطرفداری رویهٔ خشن بافرخنده هم صورت گرفت. از آنجمله از داکتر محمداباز نیازی خطیب مسجد وزیر اکبر خان و استاد دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل، زلمی زابلی سناتور و معین اطلاعات و فرهنگ سیمین حسن زاده نام برده شده. حشمت استانکزی که زیر نام سخنگوی پلیس با رسانه ها صحبت میکرد، نظربه اینکه در فیسبوک خود نوشته بود: این هم (فرخنده) فکر کرده بود مانند چندتن (مرتد) دیگر با این (دنباله در صفحهٔ هشتم)

عبدالودود ظفري

الميدا - کاليفورنيا

دوستم به حاشيه رانده شد

روزنامهٔ نیویارک تایمز گزارشی رابه قلم اعظم احمد، یک همکار خود، زیر عنوان (جنگسالرپیشین سوگوار نقش فرعی خودمیباشد) درشمارهٔ ۱۹ مارچ ۲۰۱۵ به نشررسانده است. پس ازیک تبصرهٔ کوتاه، برگردان فارسی گزارش راقدیم می دارم:

آقای جنرال عبدالرشید دوستم معاون اول ریاست جمهوری، که یک مهرهٔ درشت و تأثیرگذار درواقعات وسیاست افغانستان در سه دههٔ اخیر بوده است، به باورشمارزیاد تحلیلگران اوضاع، یک انسان بی ثبات میباشد. او درطی همین مدت بارها باجناحهای مختلف پیمان بسته، ولی دیر یازود پیمان رانقض کرده است. اکنون خودآقای دوستم بایک عهدشکن دمدمی مزاح مالیخولیایی بنام اشرف غنی احمدزی روبروست، که بایشت باکردن برقول وقرارها، ویرا از صحنه دورساخته است. دوستم که درنزد اکثریت مطلق ازبکهای شمال یک رهبر بی بدیل میباشد، به آسانی فریب خورد وساده لوحانه در دام وعده های واهی احمدزی گرفتارشده، مانند انباری طرف استفاده قرار گرفت واکثریت آرای آجوابه نفع آقای احمدزی تغییر داد.

آقای غنی احمدزی که سالهایش ازمبارزات انتخاباتی، طی مقالهٔ در یکی ازرسانه های جهانی، دوستم را(قاتل مشهور) معرفی کرده بود، باخدعه و نیرنگ او رادرزمان انتخابات (رهبر گرزمایی) خود، دوستم بااستفاده ازنفوذ خود در ولایات شمال، همایش های هزاران نفری رابه استقبال ازغنی احمدزی سامان داد وزمینهٔ انتخاب اورابه ریاست جمهوری فراهم نمود. آقای دوستم درزمان کرسی هم بارهافریب خورده بود، چون کرسی حقه بازتر از احمدزی میباشد، توانسته بود قسماُدوستم راراضی نگهداشته جلو دادوفریادواربگیرد.

جنرال دوستم بنارموقفش بصفت معاون اول ریاست جمهور، یجای آنکه باید درتمام امورمملکت دخیل باشد، درجلسات امنیتی، اقتصادی وانکشافی اشتراک ورزد تا نظریات خودرا ارائه کند وازقدرت ونفوذخود، درآرام سازی افغانستان، بویژه درولایات استفاده کند، خودش به حاشیه رانده شده، حتا به تقاضهاو تلفو نهایی اوجواب داده نمی شود، وازهرحر کش جلوگیری صورت میگیرد. آقای دوستم که خود رارانده شده به حاشیه می بندارد، وظیفهٔ اصلی خودرا گذاشته به کارهایی خودرامصروف میسازد که به سرنوشت مردم افغانستان تأثیر چندانی ندارد. فعالیتهای ورزشی دستجمعی در ارگ و دیبلووادید بامراجمین و دادن وعده وعویدهای بدون داشتن صلاحیت اجرایی، نشان میدهد که وی در داخل ارگ محصورمیباشد. فرمان اخیرغنی احمدزی که صلاحیتها را به خود اختصاص داد، و آقای دوستم، رئیس اجراییه ومعاون ویرا خلع سلاح صلاحیت کرده وباتکنازی همرا باحلقهٔ نزدیک خود، افغانستان را بسوی نابودی میکشاند.

جنرال دوستم حلقهٔ نزدیک به غنی احمدزی را (گروه فاشیست) می پندارد که ویرا ازمحور تصمیم گیری دور کرده اند. افغانستان در گذشته هابویژه در سیزده سال حکومت کرسی، ازنیرنگ بازها، یکه تاز بها وقبیله پرستیا صدمات شدید دیده است، ولمیلیارها دالر کمکها را که باید به انکشاف اقتصادی، صلح وامنیت وآرامی مردم به مصرف میرسید، به بغما برده شد. بهر اندازهٔ که جریان بهمین منوال ادامه یابد، مردم به سرنوشت بدتر گرفتار میشوند، و آقای غنی احمد زی بیشتراز آقای کرسی بدنام می شود.

اینک برگردان گزارش خدمت قدیم می گردد:

درلحظات اخیرجلسهٔ هفته وار شورای امنیت ملی، عبدالرشیددوستم معاون اول ریاست جمهوری وجنگسالر سابق فریاد نارضایتی بلند نمود. حرکت دوستم فضای عادی جلسه رابرهم زد. آقای دوستم که ازبرچسپ اتهام قتل دستجمعی صدهاطالب، ناراحت میباشد، براعضاء شورای امنیت، بشمول اتسمر مشاوروشورای امنیت وخصوص غنی احمدزی، که ویرا نادیده میگيرند، بدگمان ویی اعتمادمیباشد. دوستم مدتی پیش درجلسهٔ شورای امنیت بشدت بیان داشت: (هیچکس به جواب تلفو نهایی من نمی پردازد، من فقط میخوامه به این کشور کمک کنم، مردم مراجرتار ساختند، ولی هیچکسی حتاز من مشوره نمیگیرد.) به یاوردپلماتهای امریکا، حالات آقای دوستم رازیک جنگسالار اصلی، ظاهرا درروی کاغذ به یکی ازمردان بسیارقدرتمند حکومت افغانستان تغییرداده است. او که درماه سپتمبراشغال وظیفه کرده، خود رایش ازیش درحاشیه رانده شده می پندارد وعیقاًمأیوس می باشد واحساس میکند که تجارب مبارزهٔ دراز مدت او نادیده گرفته میشود وتوان رهبری وی بصفت مردم پرقدرت ازبک تبار قدرنمی گردد. وقتا که درزمان مبارزات انتخابات احمدزی دوستم رادر کنار خودبیث معاون اول پذیرفت، ستراتژی بصورت کافی روشن بود، دوستم یک شخصیت بحث انگیزبود، فعالان حقوق بشر ویرا متهم به جنایات جنگی میکردند وخاطرات بد کاری جنگجویانش دراذهان طنین انداز بود. امدادوستم وفاداری ازبکهای افغانستان را که درحدود ده درصدنفوس راتشکیل میدهند، با خوددارد که احمدزی شدیدابه آن نیازداشت. آن معامله یک حرکت رنج آور بود، بسیاری ازامورین افغان وغربی فکر میکردند دوستم باداشتن یک کرسی در دورمیزقانع میشود، ولی اکنون روشن شده که آن خوشبینی یک محاسبهٔ نادرست بوده است.

شکست جلسهٔ شورای امنیت ملی، یکی ازحادثاتی بود که پس ازمراسم تحلیف واشغال کرسی بادوستم به وقوع پیوست. درماه نومبر دوستم درلباس ورزشی به محل واقعهٔ انتحار درکابل ظاهرشدور برابر کمره به هرزه گویی پرداخت. درمیان چیزهای دیگر او تصورنمودمو تری که برای انتقال مواد انفجار ی استفاده شده، شاید توسط طیاره به محل انفجار آورده شده باشد. او درمورد خود یادآوری کرد که چهل وپنجهزار جنگجوی القاعده رادرسال ۲۰۰۱ از افغانستان بیرون راند. ماه بعد آقای دوستم دفعتاً اعلان نمود که قصد داردیک قوای نخهٔ بیست هزارنفری راتشکیل دهدتایکی از ساحات بدمان رادر کشور پاکسازی کند. پساتر ازقصدخودمنصرف شد. این انصراف زمانی صورت گرفت که یانش تنفرایجادنمودومقامات رسمی نگرانی نشان دادند که جنگسالار سابق قوای دیگری را تجهیز مینماید.آقای دوستم فقط چندروز بعداز آن هیاهو راه انداخت که دوصدنفر طالب درحوز جان راتشویق کرده تادرپروسهٔ صلح شامل گردند. ولی مامورین وبزرگان محل درافتند که طالبان بادشده، ملیشه های سابق دوستم بود وشمارشان نه دوصدنفر بلکه از ۳۰ تا ۴۰ نفربود!

شماری ازامورین اظهار کردند که دادوفریاد دوستم برای دریافت کمک می باشد. دیگران فکر میکندرفتاروی ضمن آنکه یک نوع تفریح وسرگرمی بوده میتواند، برای احمدزی نکانهنده میباشد! اظهارات بی هدف آقای دوستم در ارگ عجیب بوده نمیتواند، زیرا اوفردوم درقطار میباشد که کنترول افغانستان را دراختیارخود بگیرد، درصورتیکه به غنی احمدزی واقعهٔ پیش آید.

جنگاوران دوستم درحزب جنبش درشمال افغانستان فعال میباشند. او وهم کارانش درآغاز به تقاضای ما که درین باره تبصره بدارند، واکنشی نشان ندادند، ولی فوراپس ازانشار گزارش، مشاورانش بصورت تحریری جواب ارائه داشتند. دربارهٔ آنکه آقای دوستم می خواست یک گروه ملیشه راتشکیل دهد، حالی نمودند که وی با رهبران نظامی درگفتگو بود تایک قوای رسمی نظامی رابوجود یاورد. آنها بارد ادعای مامورین ورهبران محلی(دنباله درصفحهٔ ششم)

داکتر محمداسلم خاموش

علل پسمانی وعوامل پریشانی ما چیست؟

دروادث بزرگ و کوچکی که درجامعهٔ بشری پدید می آید، درس بزرگی را که باز آنها آموخت، اینست که ملت قوی و پرقدرت، ملت ضعیف راپامال میسازد، خواهشات خود رابالایش به زورمی قبولاند. پس برای درک حقیقت پسمانی که عامل پریشانی رابارمی آورد، قدرت را بایدتشخیص کرد، زیرا تشخیص نصف ندای است.

اگر از گذشته به ملل بشمول ملت خودما نظر انداخته شود، دیده می شود که ملت باعلم ودانش برتر ازملت جاهل ویی علم است. دانش و علم باعث برتری و شایستگی میگردد، ملت عالم دربرابرظلم و ستم ایستادگی کرده آنرا از میان بر میدارد، وازنامالیتمها جلوگیری مینماید. برخلاف مردم جاهل و کم علم زیر بار ظلم وستم رفته زندگی پرمشقت وباذلت رامیدیرد. بقول حضرت سعدی (رح): برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی که درنظام طبیعت ضعیف پامال است به اصطلاح انگلیسی Knowledge is Power، انگلیسهابا قدرت علم توانستند اکثرجاهای پرمفعت دنیا رازیرتسلط خود در آورند. گفته میشد که آفتاب در امپراتوری انگلیس نمی نشیند، اگر یک قسمت امپراتوریش روز میبود، در قسمت دیگر آن شب بود. تنها انگلیسهبانودند که مردم خودرا به دریافت و تحصیل علم رهنمایی میکردند، بلکه ازین قبیل گفته ها درلسان خودماهم موجود بود که به آن توجه نمی شد. مثلاً

پرو دامن علم را بگیر استوار
که علمت رساند به دارالقرار

گفته دیگر: توانا بود هر که دانا بود-دشش دل پیر برنا بود

ازینکه علم باعث قدرت است، پس بایدفهمید که علم چیست، یا: علم اندوختهٔ متن حقایق واستی ازطرف انسان به مرور زمان است.

پیغمبراسلام (ص) چون ازقدرت علم باخبربود، بپهزاروچهارصد سال پیش پیروان خویش رابه کسب علم امرفرمود. متأسفانه که بعد ازرحمت حضرتش (ص) پیروان اسلام به ذهنیت قبیولی رواقردند و تاامروز درآن گرفتارند. دربارهٔ ذهنیت قبیولی، خواجه بشیراحمد انصاری کتابی نوشته، که نقاط مهم مقدمهٔ شانرا نقل میکنم:

بیشتراز یک قرن میشود که درجهان اسلام مطرح است که ماچرا و چگونه (ما) شدیم؟ ما چراعقب ماندیم ودیگران به پیش رفتند؟ ما چرا به این روزمیتلا شدیم؟ علل وانگیزه های این بحران هستی برانداز ریشه درکدام بیشه دارند؟ در این باره یکعدهاد ازعلمای کرام قلم رابه جولان آورده اندوهر کدان برمبنای روش خاص خودش راهی رادرجهت بیرون رفت ازین دایرهٔ جهنی فراوری ما ترسیم نموده اند، ولی ریشه یابی درین دهسال اخیرمطرح گردیده، بیشتر زیر عناوین مختلف تحت مذاکره قرارداده شده است. درمیان اینهمه مباحث، مهمترین آن ذهنیت قبیولی است، بگفتهٔ اینکه:

خشت اول گر نهد معمار کج
تا ثریا می رود دیوار کج

درنیمهٔ سال ۱۲ ه ق یک دولت مستحکم و پرقدرت ومطاع درمدینه سرکار بود که کلیه قبایل عربستان را دراطاعت داشت. درین وقت خلافت اسلامی خواست تابه استقامتهای خارج جزیرهٔ عربستان پیام اسلام رابه ملتهای دیگر برساند. درین موقع مصر، یمن و ربیعہ باهم متحد گردیدند وبه رهبری مدینه بسیج شدند، ازمرزهای تنگ عربستان بسوی دنیای فراخ ومتمدن براه افتادند تا بادرهم کوفتن تمدنهای فارس و روم ومصر درسرمزمنهای تمدنی اسکان شوند. از جمله سه دسته بندی، جز مردم مدینه ومکه و طایف، قبایل دیگربه دین اسلام چندان آشنایی نداشتندو ازسنت هایش بیخبربودند. همه قبایل عربستان همراه با خزیدن به درون سرزمینهای تمدنی، گفتند که مامسلمان هستیم وقرآن راتنها کتاب آسمانی، ویغمبراسلام راتنها فرستادهٔ خدا دانستند، ولی نه بافکار وعقاید سنتی اسلام که درقرآن وسنت پیامبزرگ اسلام بازتاب یافته بود، آشنا بودند ونه میتوانستند از سنتهای دیرینهٔ خودشان دست بکشند. درنتیجه بالین سه دسته بندی بزرگ، سه نوع برداشت ازدین بنام اسلام پایه عرصهٔ اجتماعی قبایل خزنده نهاد، که هیچکدام نمی توانست دردیگری ادغام گردد، یادگیری را جذب کند. علت اصلی خیزش این قبایل چیزی جز به دست آوردن غنیمت نبود. ایشان خودرا ازاساسات اسلام خوب خبر نبودند وخودبصورت کامل مسلمان نشده بودند، چگونه میتوانستند دراندیشهٔ مسلمان ساختن دیگران باشند.

مقاومت به مقابل حضرت علی کرم الله وجهه از ارزشهای قبیولی تقدیه می شد، وبعدازشهادت حضرت علی، همه چیزدردست بنی امیه قرارگرفت، زعامت دولت اسلامی میراثی اعلان شد، حضرت علی (رض) میکوشید که مانع افتیدن دین درچنگ قبیله باشد، اما افتید. درزمان امویها تبعیض علیه مسلمانان به اوج خوددرسیده بود. درزمان خلافت اموی هاقبایل عربی اختلافات خودرا روبه ازدیاد نهادند، ارتش اموی هاساختار قبیولی داشت، اموی هاچون تعصب عربی داشتند غیرعربها رابه چشم حقارت می دیدند، بالاخره حکومت آنان به سقوط مواجه شد.بعداز امویها، عباسی ها آمدند، عباسی هاراقبیلۀ دیگر که ازدل صحرای مغولستان سربر آورده بود، تحت زعامت چنگیز خاتمه داد. چنگیزخان مظهر کامل حکومت وفرهنگ قبیولی بامهمه عناصر آن بود. درزمان تسلط مغولها به ظرفرنهنگ قبیله دیگر همه چیز روبه انحطاط گذاشت.

درسال ۱۲۴ ه ق تفاق، جنگ و کشمکش بین اقوام بربری، عرب هاو بنام ومسیحی ها باعث گردید که اندلس به بیست دولت تجزیه شود. این کارشاهت به وضع فعلی افغانستان دارد، که پشتونها باپنهان کردن روی خود زیرنام طالب، باسایراقوام بشدت درجنگ اند واین جنگ ازطرف دولت پاکستان تقویت میگردد. جای ترس است که این حالت کشور کوچک افغانستان رابه چندین پارچه تقسیم بسازد، قندهار، هرات، مزارشریف، کاپیسا و پروان ممالک مستقل خواهند بود.

افغانستان جامعهٔ قبیولی است که تاهنوز توانسته ازمرحلهٔ قبیولی پراگنده، نامنظم ومتخاصم، به مرحلهٔ ملت شدن برسد، خصوصیت قبیولی نیروی فرار ازمرکز رادرین جامعه تقویت نموده، که برمبنای آن هرخان واربانی فراخور قدرت وقلمرو قبیله اش مملکی برای خودتشکیل میدهد. قبیله گریایی از بیمارهای خطرناکی است که درجامعهٔ ما فراگیر شده است، و بیروس سرطانی همه ججرات پیکر ناتوان جامعه را درچنگ خودگرفته وعصای وحدت آنرا از درون خورده است. در کشور مالیدبالوژی های آیندومیروند، احزاب و شخصیت های سیاسی بقدرت میرسند وازقدرت می افتند، ممالک دنیا که بوغ اسارت قبیله راشکستندوخودرا آزاد کردند، با قدرت علم به ترقیات روزافزون نایل گردیدند. بطورمثال دردوران جنگ جهانی دوم مملکت جاپان وجرمنی هم هستی خودرا ازدست دادند، امابه قدرت علم توانستند دوباره به اوج ترقی نایل گردند. متأسفانه مملکت گرفتار به طرز ادارهٔ قبیولی مثل افغانستان بامعاونت شانزده بیلون دالر نتوانست دروضع زندگی مردم خودجزئی ترین تغییر یاورد. توانای وقدرت علمی انسان مربوط به صحت وسلامت وجودو خصوصاً مغز انسان است. Neurotransmitterقوهٔ محرکه انتقالی آنی یک عصب بر عصب دیگربرای اجرای وظیفه بصورت درست، به غذای مکمل ضرورت دارد. درعدم موجودیت غذای کافی، مغز سالم مانده نمی تواند وظیفهٔ محوله را اجرا کرده نمی تواند. غذا باعث تحرک وجود و کامیابی در تکمیل کار می گردد.

شمارهٔ ۹۹۶

صفحهٔ سوم

عبدالخالق بقایی پامیرزاد

چندکلمه پیرامون اسکان کوچی ها

این قشرسرگردان، ازقرون متمادی به این طرف در دشت ها، دامنهٔ کوهها ودرحاشیهٔ شهرهای مختلف گیتی زندگی برچنبال داشته وزیرخیمه هاو کپه ها حیات گذرانیده اند. در کشورهای پیشرفته،امروز کمترقشر کوچی وخانه بدوش دیده میشود، اکثریت شان ساکن دهات و شهرهاشده، با زندگی متمدنانه خو گرفته، با کار و کوشش سازنده وارد جوامع خود گردیده وحیات مرفه در پیش گرفته اند.

اما در کشورهای عقب نگهداشته شده، بویژه درافغانستان، اگرچه کوچیان سایراقوام در روال تاریخ آهسته آهسته به کشت و کار و پرورش حیوانات و حتی به صناعات ازجمله قالین بافی و پرورش قره قل، به زندگی متمدنانه وشهر نشینی پرداخته اند، ولی کوچیان قوم پشتون، به دلیل عدم توجهٔ امیران وشاهان گذشته ودولتهای معاصر، همچنان بصورت منزوی ازمجامعات متمدن بشری، بهمان حالت کوچی باقی مانده اند، وبرای کشاندن آنان به ساکن شدن، کشت وزراعت به عنوان شغل اصلی، آشنایی با تمدن وفرهنگ و علم ودانش هیچ پروژهٔ واقعی وجود نداشته وهنوز ندارد.

اینکه درطول یش ازشصت دهه، ریاست مستقل قبایل و کوچی ها تابه سطح وزارت ارتقایافت، هرنئیس مستقل ووزیر، بابودجهٔ هنگفتی که داشته اند، پولهای بودجه راختلاس نموده، وبه اصطلاح از کاو غلغودی برای رفع حوایج اداری دفاترخویش خرج کرده اند، و حتا از همان غلغود، یک توتۀ کوچک به کوچیان نرسیده، واین مردم بدبخت همچنان درزندگی بدوی غوطه ورناند، و جز چند بز و گوسفند وشتر، باخیمه های پاره پاره چیزی نداشته، هربهاراز پاکستان به چراگاه های مردم ساکن وصاحب زمین وزراعت ولایات مختلف کشور هجوم می برند، وبازور مواشی شانرا به مزارع مردم بیچاره میرانند، واگر مقاومتی ازشاحبان مزارع دیدند، با تفنگ جواب داده عدهٔ کثیر را کشته وخانه های آنانرا به آتش می کشند.

تنهامناعی که هنگام رسیدن به کدام محلهٔ آباد برای فروش عرضه میدارند، مقداری تخم مرغ، روغن، قروت، پنیرخام، پنیرپخته، قیماق خشک میباشد، گاهی هم حاصل رنج زنان شان را ازقبیل لباس های زنانه واتواع زیورات بی ارزش برای فروش آماده میسازند. مردان کوچکی اکثراً با بیکاری وعطالت روز میگذرانند ولی زنان کوچی همهٔ بارزندگی ازجمع آوری هیزم وپخت غذا و دوخت لباس را بردوش دارند.

کوپهاغیرازبان پشتو، کمتربه زبانهای فارسی دری واوزبکی و دیگربزبانهای مردم ما آشنایی دارند. حیوانات شان چنان ازشعور عالی برخوردارند که شب هنگام ازغزدی هاماحفاظت میکنندوسگهای تعلیمی ازهمه بیشتر به نان ونمک شان ارج میگذازند واز آنهاپاسداری میدارند. ثابت شده که سگها وفادارتر از آدمهای نمک حرام اند. بدیختانه اولادشان ازتعلیمات دینی ومدنی، دوا وداکتر ونعمات دیگر زندگی کاملاً محروم میباشند.

جنگ کوچی ها و مردم بسیاری ازولایات، ازشالهای سال به اینسو ادامه داشته وکشته زخمی ووبرانی زیادی رابارآورده است، ولی تاامروز هیچ مقام ومسئول اداره درمرکز ولویات به چنین برادر کشی ها نقطه پایان نگذاشته است، برخلاف با آغاز زعامت کرسی خاین، گروهی خاین تر ازانام قشر کوچی برای خود دکان بلکه فروشگاه بزرگی بازکرده، وسالهاست حشمت غنی احمدزی، برادر آقای غنی احمدزی رئیس جمهور منتصب، خودرا کالان کوچی هاعلان کرده و حالا با کاکای متعصب وفانیست خود، داکترعبدالقیوم کوچی، به نام کوچی هابه جور وچپاول پرداخته، مرتباً درتلویزیونهاداد از مظلومیت کوچی ها زده، برسایراقوام گستاخانه می تازند وفحش و ناسزا نشر میکنند.

برای اینکه این کوچها که زمستانها همه در پاکستان زندگی میکنند و از اوایل بهاربه افغانستان آمده و تا ولایات دوردست به دوره گردی وچور وچپاول و آدم کشی وخانه سوزی میپردازند، بصورت یک جامعهٔ ساکن در آورده شوند، نخست باید کوچهای پشتونها ی پاکستانی را مشخص ساخت، وآنانرا ازاغانستان راند، سپس برای کوچهای پشتون افغانستان، ازدشتهای ننگرها همیشه بهارتا ولایات پکتیا، هیرمند، قندهار وفراه، بشمول دشت بکوا زمین تعیین شده وهمهٔ شانرا مجبوره اسکان بسازند، وبرآنهاقبولانند که به کشت وزراعت وزندگی باوقار وعزت به کسب درآمد ازراههای مشروع بپردازند، وبدین ترتیب گریبان سایراقوام مظلوم را ازدست درازی های هرساله رها سازند.

حالا که شنیده میشودآقای غنی احمدزی کمسیون رابرای رسیدگی به احوال کوچی هاایجادکرده، پیشنهاد فوق راعرضه داشت، تائیش ازین کوچی ها آواره وسرگردان ومتعرض دیگران نباشند، بلکه از حق حیات مرفه به سکونت وزراعت و مالدار ی وصناعت مشغول ساخته شوند.

امانکه مهم اینست که کمسیون تشکیل شده، ابتدا و ابتدا به فکر زمان عبدالرحمان خانی وگل محمد مومند ونادرغدار و هاشم خانی نباشند، کوچی هارا برسرزمین دیگراقوام کوچ ندهند، زیرا مردم آن محلات دوره های استبدادی شصت هفتادسال پیش را به خاطر آورده، احساسات شان به جوش آمده ودرمقام دفاع از حق خویش قدعلم خواهند کرد، وافزون بریاجداخانه جنگی وبرادر کشی این پروسه هم کاملاً به ناکامی خواهد انجامید.

پس امیدست این مشکل بزرگ واین گره کورتوسط این کمسیون که باید ازشخاص خبیر که محلات ومردم رابخوبی بشناسند، عرف وعادات زندگی همه مناطق افغانستان را بداندن، باداریت وعقلایت و کاملاً به شیوهٔ دموکراتیک حل وفصل گردد، وسنگ بنای محکمی باشد دربنای وحدت ملی افغانستان، خراسان دورهٔ اسلامی وآریانی بزرگ وباستانی.آمین یارب العالمین /

طالبان یک داماد را باید ر وبرادرش درشب عروسی به شهادت رسانند

۲۵ اپریل/فراه- باختر: درحمله طالبان بر کاروان موترهای عروسی، سه تن بشمول دامادشهید شدند. دلجان خاکساربیژی آمرانیت قوماندانی امنیه ولایت فراه گفت: این رویداد درمنطقه شورآب مربوط شهر فراه زمانی رخ داد که طالبان کاروان موترهای عروسی که از خانه عروس برمیگشتند، توقف داده وداماد، پدروبرادر او را باخود بردندوبه قتل رساندند. شاهدان عینی میگویند که طالبان پنج نفربودند ولباس پلیس به تن داشتند، آنان شرکت کنندگان عروسی را نیز تهدید به مرگ میکردند. خاکریزی میگویدمهاجمان پس از قتل از محل فرار کردند.

یک شاهد عینی که خواست نامش ذکر نشود میگوید طالبان وسیله نقلیه نوع سراجِه دراختیارداشتند وبلافاصله پس از قتل ازساحه فرار کردند. او گفت زمانیکه افرادمسلح موترداماد رامتوقف کردند به همه اخطارداشتند که منطقه راترک کنند تمامی ماترسیده بودیم و مردم محل راترک کردند.تاهنوزفردیادگروهی مسئولیت حمله را بهعهده نگرفته اندامامردم میگویندطالبان به مراسم عروسی حمله کردند. سال قبل نیز درحمله به یک مراسم عروسی درقندهار چهل نفر کشته و بیش از هفتادتن دیگر زخمی شده بود.



عنوان کتاب: زندگینامه استاد عبدالرشید لطیفی نویسندهگان: داکتر عنایت الله شرانی و داکتر لطیفی

بخش سومی و آخر قسمت زندگینامهٔ دراماتیک درامه نویس و روز نامه نگار نستوه وطن، استادعبدالرشید لطیفی را در یک مرحلهٔ غم انگیزش رویداد تراژیک زنان مظلوم مین آبیی ما، که هماناشهادت المناک یک شهروندمقتی وطن، باتو فرخنده میباشد، مینگارم که انعکاس دهندهٔ همان سرواولین فلم فارسی (عشق ودوستی) بود، و آنردشمارهٔ گذشتهٔ جریدهٔ مردمی امید به شماجنین یادآورشم:

اگر این خاکدان را واشکافی درونش بنگری خون ریزی ای دل ایکاش استادلطیفی فقید درین تاریکترین وفاجناکترین دستبرد و تجاوز مرگبار بر کرامت انسانی وحقوق زن، حیات میداشت تاخون ریزی اسف انگیز پیکرمجروح فرخنده را که ظالمانه بادستهای پلیدی وجدان ضربه خورد، مجروح ومتلاشی گردید وسوختانده شد، وهیچ مرد باهمتی پیدانشد که در دفاع ازاناموس بشریت و کرامت انسانی، به دفاع برخیزد ونگذارد که صفحهٔ ننگین دیگری درفصل سیاه تحقیر وشکنجه ویی عدالتی حقوق زن درافغانستان کشوده شود!...

همین لحظه یادم از درام (گر سنه ها) اثراستاد فقیدلطیفی می آید که درپهلوی گرسنگان فقر وناداری مادی، گرسنگان آغشته به فقر معنی وتشنهٔ دارایی های مردم ودولت مربوطه راروی صحنه به نمایش گذاشت، وصفت گرگ منشی عناصر پلید وسیرناشدنی اجتماع راتبارز داد، وار تباطات سوء ودرنده صفت و گرگ مانندآنها را درین خودشان برملاساخت، همان صفتی که فریدون مشیری در چندمصرع قطعه شعر پراتبناه خودچنین سروده است:

گفت دانایی که گرگ خیره سر هست پنهان در نهاد هر بشر زور بازو چسارهٔ این گرگ نیست صاحب اندیشه داند چاره چیست آن ستمکاران که بکدیگر می درند گرگ ها شان رهنما و رهبر ند بهرحال، درمتن کتاب زندگینامهٔ استادعبدالرشید لطیفی تقریظهای پرمحتوای دیگر، به قلم خطاط معروف استاد اخی کرخی هروی، داکترفهاد لطیفی و هنرمند چیره دست غلام حسین فعال نیزبرشتهٔ تحریر آمده است، که اینک قسمتی از تقریظ استادمحمدوزیر اخی کرخی هروی به شما تقدیم می گردد: مسرورم ازینکه جناب پوهاندداکترعبدالواسع لطیفی طیب و نویسندهٔ فضیلت مآب وطن ما درهجرت، زندگینامه و کارنامه های هنری مرحوم استاد عبدالرشیدلطیفی غم محترم شانرا بادرایت تمام تهیه و تحریرنموده وجهت نوشتن به خط نستعلیق ناچیزمن که نمونهٔ از میراث فرهنگی وهنری وطن عزیزاست، فرستاند. طوریکه فوقاز مطالعهٔ خوانندگان وجوندگان تاریخ هنر تمثیل وتیاتر در افغانستان میگردد، آترابه قیدتحریرآوردم. امیداست درنشرفرهنگ وطن سهم کوچکی گرفته باشم.

آنچه دربارهٔ هنر ورشتهٔ هنری مرحوم استادعبدالرشیدلطیفی ایجاب پژوهش وارزایی را مینموده، جناب استادفاضل وهنرمندمحقق ما داکترعنایت الله شهرانی درپیشگفتار این کتاب نوشته اند، قابل تحسین وازخداوند توفیق مزید برای شان آرزومیکشم. وآنچه از شرح زندگانی وخدمات هنری، انساندوستی، ونظریات اصلاحی مرحوم استادلطیفی را که جناب پوهاندلطیفی برادرزادهٔ مرحومی معلومات داشتند، درینجا بامضامین عالی، مستند وشیرین درقید تحریرآورده وجناب آقای حسین فعال یکن ازهنرمندان وشاگردان مرحومی نیز معلومات وچشمدبد خویش رادرقسمت تعلیفات نوشته اند، همه شواهدعینی وزنده است که خواندن این نوشته هامارا به فکر روزگاروحالات پیشین ما می اندازد که چه وطنی داشتیم وچه هموطنانی وچه هنرهای زیبایی وچه هنرمندان ورزیده ولایقی وهزاران چه وجه دیگر، که ناهالن همه را درباد دادند، وحالا جزء اشک افسوس برگونه های دیگر آثاری از آن نیست.

زادگاه عزیز ومحبوب من هرات باستان که به شهردانش وهنر معروف است وآثارنفیس وعظمت آن باوجودتخریب نادانان هنوزهم ازدر ودیوار آن نمودار است، همیشه علمدار نهضتهای هنری بوده وشکوفایی هرات درعصر تیموریان دربسا کتب معتبرتاریخ آمده مبین آن است.

بیش ازپنجاه سال قبل زمانیکه من معلم معارف بودم، استادحاجی عبد الواحد بهره شاعر ونویسندهٔ توانا ویکی ازاستادان معارف هرات، در تأسیس صحنهٔ تمثیل وتیاتر هرات تحت تدابیرجناب عبدالله ملکیار والی هنرپروهرات اقدام نمود، وهنرمندانی ازاهل معارف که آقای عبدالرحیم سرخوش دررأس همه قراردادشت، باآقای سائرهراتی، علیشه الفت، مهدی نصرت وغیره این کانون هنری را دایرساختندو همیشه درامهای انتقادی، اصلاحی وتربوی راآقای بهره وآقای سرخوش می نوشتند و به معرض نمایش میگذاشتند. آقای سرخوش باموفقیت کامل صحنهٔ تمثیل را دایرنهگذاشتند وهنرمندان دیگری راترتیه و به نمایشات درامه های مذکور ادامه دادند، ودیگرنویسندگان هرات درتحریر درامه های اصلاحی و اخلاقی دست بکاربودند، ودرمعرض استفادهٔ مثیلین میگذاشتند. در اعلان درامه ها وقتیکه مردم، نویسندهٔ درام ویادر تمثیل آن نام سرخوش رامیدیدند، درنمایش هجوم می آوردند. آقای سائر هراتی به کابل رفت وازجملهٔ هنرمندان بااستعداد ومنهرواست، مهدی نصرت به وزارت داخله ماموریت گرفت وآقای سرخوش والفت با هنرمندان زیاد دیگری صحنه رافعال نهگذاشتند، ومردم سرخوش تا زمان حیات خود این موسسهٔ هنری وموردنیاز جامعه راترک نکرد.

صحنهٔ تمثیل هرات، باپوهنی ننداری کابل تشریک مساعی داشته، هنرمندان هرات رامرحوم استادعبدالرشیدلطیفی به کابل دعوت می دادند وازهمکاری و تبادل نظریات هنری همدیگربرخورداربودند. با یک روحیهٔ اتفاق وبرادری، هدف مشترک اصلاحی جامعهٔ افغانستان مدنظرشان بود، باخرافات، اعمال نا مشروع ومنافی اخلاق مبارزه می کردند ودرین راه موفق بودندونام شان ثبت تاریخ هنرمندان وطن است.

هرچه خرابی، نفاق افگنی وبديختی که بعداز آنهارگیربانگیرمملکت و ملت ماگردیده، ویک ملت سربلند وبافتخار جهانی رابایچهٔ دست دیگران ساخته، همه ازپایامهای اعمال شوم وجنایات گروه جاهلان ونابحردان است که تازهنده ایم به آن می سوزیم.

بهرحال جای شکراست که فرزندان صادق وطن درهرگوشهٔ ازجهان که افتاده اند، به یادوط خویش اند، آرزوی آبادی عمرانی، فرهنگی وهنری وطن خویش را درسردارند. که نوشتن چنین کنایهاوزحمات استادان ما ازعلایم ونشانه های احساسات وطنخواهی ایشان است، ونسل جوان راوهم آتهایی را که در دیارغرب ومهاجرت بسرمیرند، ازسابقهٔ تاریخی وهنری وطن شان آگاه می سازند، قابل قدر و درخور تمجید است.)

درهمین سلسله، باتوی فرزانه و پژوهشگر ماریادارو غبار نیزدر کتاب تازهٔ خود زیرعنوان (چهره های جاویدان) بیوگرافی و کارنامه های مطبوعاتی وتیاتری مفصل مرحوم استاد عبدالرشید لطیفی را به رشتهٔ تحریر آورده است.
(دنباله درصفحهٔ هشتم)

کامل انصاری

شمارهٔ ۹۹۶

کاسترو ویلی ـ کالیفورنیا

آب های ایستاده غزنی

پناهگاه مرغان مهاجر و دریایی

پیش از آنکه دربارهٔ آبهای ایستادهٔ غزنی بنویسم، لازم میدانم که از دیگر تالاب هاواستخرهایی که درهر کنج و کنار کشور ماموجوداند، نام ببرم ـ این ـ تالابها بیشتر دنواحی شمالی، شمال شرق و مرکز افغانستان موقعیت دارند. (تالاب: استخر، کول، آبگیر، حوض بزرگ باحجم وسیع آب، دریاچه) که عبارتند از:
۱- کول زرقول، کول زر کول دریامیر ۲- کول چقمقتین دریامیر ۳- کول شیوه، کول شیوا دریدخشان ۴- تالاب قندز ۵- تالاب بغلان ۶- تالاب اشکمش ۷- تالاب غوری ۸- تالاب غور ۹- کول جنگ هرات ۱۰- آب ایستادهٔ مقر/ غزنی ۱۱- آب ایستادهٔ ناور= آب ایستادهٔ ناهورغزنی ۱۲- آبگیر نور درغزنی ۱۳- هامون زره درچخانسور ۱۴- هامون سواران ۱۵- بند آب سیستان ۱۶- بند آب کجکی ۱۷- بند آب سرده ۱۸- بند آب سروبی ۱۹- بند آب دهله ۲۰- کول حشمت خان در کابل ۲۱- بندامیر دریامیان ۲۲- کول سوختگی بامیان ۲۳- دریاچهٔ درهٔ جاشت بامیان ۲۴- دریاچهٔ تری کک = دریا چه تاریک بامیان ۲۵- دریاچهٔ نبطان یکاولنگ بامیان ۲۶- دریاچهٔ چهل تن درهٔ آجر.



در باچه ها و تالابها از لحاظ تجمع مرغان مهاجر وهم از نگاه طبیعی و جاذبه های محیطی و تکثیر ماهیان، از زمرهٔ غنیمتهای طبیعی محسوب میشوند. چون سخن از آبهای غزنی است، میرویم به سراغ این دریاچه ها که هنگامهٔ برای مرغان مهاجر آفریدند.

درولایت غزنی سه نوع تالاب ویا آبگیر موقعیت دارند: اول، آب ایستادهٔ مقر؛ دوم، آب ایستادهٔ ناور؛ ناهور؛ سوم، تالاب نور. دو دریاچهٔ بالایی درغزنی از شهرت زیادی برخوردارستند که هم تقرجگاه شاهان وهم تجمع شکارچیان بوده وهم آشیانهٔ مرغان آبی.

آب ایستادهٔ مقر: که بنام آب ایستادهٔ غزنی نیز یاد میشود، متصل ولسوالی مقر ویا بجانب جنوبغربی مقرواقع شده است. آب ایستادهٔ مقر شوربوده ساحهٔ زیادآن از دلدلزارها ونیزارها پوشیده است. این تالاب آبی بیشتر ازدهزار متر اسطح پهربلند میباشد، ومساحت مجموعی ۱۳۰۰ هکتار زمین رادربرگرفته است. عمق دریاچه نیز از چهارمتر بیشتر نمیشابد. بقول برخی ازجیولوجیستها، آب ایستاده محل توقف وتولید نسل مرغابی دریایی میباشد، ۶۶ نوع مرغان آبی دراین استخر نمایان شده است که برای جوجه گیری وتولید نسل در زیر نیزارها حیات بسرمیرند. بدون شک نی زارها پناهگاه خوبی را ایجاد کرده اند. آبهای غزنی محل بود وباش موقتی ودایمی وبا توفقگاه مرغان مهاجر اند که انواع آناترا چنین مینگریم : چلچله های آبی، غنجی ها، مرغ آبی ها، قازها، مرغ های نوروزی، مرغان باران، مرغان آتشین (فلمینگوا) ماهی خورکها، لک لک ها که مهمانان ناخواستهٔ سایربایی اند، ودیگر پرندگان آبی وخشکی. (همان طور که قازهای کانادایی بدون اجازه واخذ ویرزه داخل خاک امریکا میشوند، لک لک های سایربی نیز بدون اجازه داخل قلمرو ما میگردند. [ادارهٔ امید: لاکن مانند لک لک های سیاه پاکستانی به قتل مردم ما و آتش زدن خانه و کاشانهٔ مانی پرداختند]!. همچنان باید یادآورشد که درین اواخر از آنهمه قازها و آنهمه مرغان آتشین درین آبها خال خال دیده میشوند.)

شاهنشاه بابر(۱۴۹۳-۱۵۳۰) ازدیدن آبهای غزنی خوشحال میشد و دریاد داشتهباش (احتمالا کتاب تزک بابر) نخستین کسی است که ازموجودیت بیست هزارقاز حسینی در آبهای ایستادهٔ غزنی صحبت میدارد. نامبرده جبه زار های نواحی آبهارا مرکز تولید نسل مرغان دریایی میداند.

برای معلومات بیشتر، خاطر نشان میسازم که هیچ تجمع آب یا آبگیر بدون یک منبع آبی میسرنی شودواز لحاظ جیولوجیکی ملیونهاسال به فعل واقعال زمین، جریان آب که روندطبیعی دارد، در حرکت و جریان طبیعی اش به بحر، خلیج، دریاچه یابحیره میریزد وبابه گودالی میرسد که در آنجا ذخیرهٔ آب میشود. تمام گودالها، کول ها استخرها، تالابها و خلیج هاهمه از جریان یک یاچند رودخانه تشکیل یابیده اند. آب ایستادهٔ مقر نیز از رودهای غزنی و گردبز آب میخورد.

رودغزنی از سر آب کوه پغمان سرچشمه گرفته به سمت مشرق جریان می یابد وازند سراج وجلگهٔ تور گذشته وارد جلگهٔ غزنی میشود. برخی ازساحات غزنی را آبیاری کرده بطرف جنوب به آب ایستادهٔ مقر میریزد. معاونین رود غزنی بانماهی کل بروی، تالاب و قره باغ نیز یاد میشوند. درین اواخر رودهای غزنی و گردبز بیشتر برای سیستم آبیاری مورد استفاده قرار میگیرند، لهذا احتمال میرود که مقدار آب ایستادهٔ مقر روبه کاهش برود. (درست ماننداستفادهٔ دریا های جیحون وسیحون که براساس سیستم آبیاری وافراز این رود خانه ها آب عظیم بحیرهٔ آرال کم شده، لبه های خلیج آرال به خشکشد تبدیل شده است).

آب ایستادهٔ ناور یا ناهور : آب ایستادهٔ ناور همچنان دشت ناورغزنی شهرت دارد. دشت ناور که در ناحیهٔ شرقی غزنی ساحهٔ وسیعی رادر بردارد وبه بلندی سه هزارمتر اسطح بحر تخمین شده است، استخری که به آب ناور شهرت حاصل کرده به درازی ۲۴ کیلومتر وعرض آن سه کیلومتر است. آب ناور دارای چهل جزیرهٔ خرد و کوچک میباشد، که محل خوبی برای نشو ونمای پرندگان محسوب میشود. این جزایر که در میان آبهاست، حافظت خوبی برای پرندگان میباشد که ازدستبرد حیوانات وحشی درامان میشوند. آب ایستادهٔ ناوره طوریکه از نام آن پیداست، در ولسوالی ناورغزنی در ناحیهٔ جنوبی مقر موقعیت دارد. بلندی آب ناور از سطح بحر درست مانند بلندی آب ایستادهٔ مقر است. تالاب ناوره دارای آب نسبتا شور بوده و در میان کوههای نچندان بلند واقع شده که منظرهٔ قشنگی رابخود اختیار کرده است. بنابقول کتاب شناسنامهٔ افغانستان، گل کوه، مراد از کوهی است بطرف جنوبغر غزنی. این کوه به دشت هموار ناهور به یک زاویهٔ قایمه سلسله کوه پغمان را قطع مینماید ودایم پوشیده از برف است، که این ذخیرهٔ آبی خوبی برای دریاچهٔ ناهور بشمار میرود.

طوریکه دربارهٔ آب ایستادهٔ مقر بیان گردید، آب ایستادهٔ ناور نیز آشیانهٔ مرغان آبی وپناهگاه مرغان مهاجر بوده است. دربارهٔ آب دریاچه ناور اهالی سخنهای جالبی دارند که از طرف شب مرد کنه و پشم آلود دردانهٔ آب ناور میگذرد. بنابر قول فرد دیگری از غزنی که این هیولای دوا از طرف شب چراغی بدست دارد واز نزدیک تپه های آب ناور میگذرد وبعد نایدید میشود. اهالی این منطقه از طرف شب از ترس هیولای یای کنه نزدیک تپه های سنگی نمیروند! آب ایستادهٔ ناور رابنام آب ناهور نیز یاد کرده اند، که برخی هالین آب را با (آب نور) همسان میدانند، در حالیکه (تالاب نور) به فاصلهٔ ۶۰ کیلومتری غرب قره

صفحهٔ چهارم

خالد صدیق

در فاجعهٔ قتل وحشیانهٔ دوشیزه فرخنده شهید

که منجوسترین لکهٔ بدنامی به دامان تاریخ افغانستان میباشد، سروده شد.

۴/۴/۲۰۱۵ (تنداعی از علامه اقبال لاهوری)

امروز من از مردم افغان گله دارم

از مؤمن و از پیرو قران گله دارم

از مرشد و از پیر و جوانان گله دارم

آخر چه بگویم که ز انسان گله دارم

«ای غسجهٔ خوابیده چو نرگس نگران خیز »

«از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز »

یک کتله یی مایه ویی دین ودیانت

غرقند به تزویر و فجایع و خیانت

غافل ز حقوق زن و تأمین عدالت

فتوا دهد و حکم، ز دیوان جهالت

از ناله و فریاد یکی دخت زمان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

پیوسته به تاراج دل غمزده گانند

همواره پی وحشت و بطلان روانند

این طایفه از امر خدا بی خبراند

از راه خطا در طلب لقمهٔ نانند

از بلسخ و بدخشان و هرات و اسفلان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

تا چند از ین چهل خسان چشم پیوشید

از جام ز خود بی خبری باده بنوشید

خیزبد به تنویر خود و خلق بکوشید

هشدار من اینست اگر صاحب هوشید

چون شیر در ین معرکه با کور دلان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

وقت است که برضد خرافات بچنگید

با جمع فسونگر و کثافات بچنگید

با کلیشه بطلان و منافات بچنگید

از بهر خدا بهر مکافات بچنگید

از رفتن «فرخنده یی » آتش زده جان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

فرهنگ بلند پایهٔ تان از کف تان رفت

ناموس گرانمایه تان از کف تان رفت

ای قوم همه شوکت تان از کف تان رفت

آن حرمت و آن غیرت تان از کف تان رفت

ای تاجک و پشتون و هزاره ، همگان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

این ملت آزاده چرا زار و زبون شد

از عقل گریزان و گرفتار جنون شد

غارتگرو ضحاک درین ملک فزون شد

جادوگر و شیاد ز هر غار برون شد

دیگر نبود حوصلهٔ جبر زمان ، خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

در هم شکن لشکر اعراب و سکندر

غارتگر چنگیز بودی ، قوم دلاور

انگلیس به جنگ تو برون رفت ز خاور

هم روسیه شد مضحل ، هم طالب چاکر

با خنجر و بانیزه و باتیر و کمان خیز

از خواب گران، خواب گران، خواب گران خیز

باغ غزنی موقعیت دارد. محیط تالاب نور بیش ازده کیلومتر وبه عمق سه متر می باشد .

دولت افغانستان درسالهای هفتاد آب های ایستاده رابحیت پناهگاه و محل بودباش پرندگان مهاجر معرفی کرده، ملل متحد هم درین راستا برنامهٔ اداره ومحافظت آبهای ایستادهٔ غزنی راموردبحث قرار داده درسال ۱۳۵۳ آبهای ایستادهٔ غزنی بحیت پناهگاه قازهای حسینی و مرغان دریایی اعلان گردید.

منابع : ـ نشریهٔ فرهنگی گلستان، چاپ امریکا، شمارهٔ ۱۴ بهار۱۳۷۵ خورشیدی، صص۱۳-۱۵؛ ـ وبلاگ سیدمحمدنوید Nawed2007@gmail.com؛ ـ کتاب شناسنامهٔ افغانستان، بصیراحمد دولت آبادی، صص ۱۷۴، ۱۷۱ و ۱۷۸ سال۱۳۷۱ خورشیدی، ایران ؛ ـ کتاب جغرافیای ولایت بامیان، محمدعظیم عظیمی، صص ۲۵۰-۲۷۸ سال ۱۳۹۱ کابل؛ ـ کتاب جغرافیة صنف ۱۲ سال۱۳۸۱ ریاست تألیف وترجمه ص ۴۲/

الحاج بزرگوار استدولایی... (دنباله ازصفحهٔ پنجم)

زیرا نزدمن مراد ازعلمای مذکورهمه آن کسانی اند که مردم از علوم شان استفاده کنند.

به پیر خرد گفتیم ای عالم افروز که درزندگی دوستدار بشرکیست؟

بگفتا معلم ، معلم ، معلم

برتر اندرسل می گویند: هدف تعلیم و تربیت باید آن باشد که درمردم آزاد فکری بیروراند و آنانرا چنان بار بیورد که با رغبت به بحثهای دیگران گوش کنند و چنانچه این بحثها به نتایجی که مورد دلبستگی آنان نیست منتهی گردید، خشمگین نگردند. هر جا تعصبات عمومی حکمفرماباشد، اعم از تعصبات ملی وزادی و تنگ نظریهای مذهبی، مدرسهها باید آگاهانه کوشش خود را مصروف تعدیل و رفع این تعصبات کنند. (حقیقت و افسانه، ص ۸۰)

جناب روانشاد الحاج استاد محمد مهدی ولاتی فرزند روانشاد حاجی برات علی ولاتی به اساس یادداشت خودشان، دربرج دلو ۱۳۰۷ش درگذر کشمش فروشی مرادخانی کابل چشم به رخسار مادر وپدر متدین و مسلمان گشود.

روانشاد استدولایی که ازسه سال پیش بیمار بودند قلبشان که سالها برای آموزش و پروش میهنش می تپید؛ و مغزشان که همیشه دراندیشه روشن ساختن راه زندگی جوانان میهنش بود؛ تاب اینهمه بدیختی ها و جهالت را در زادگاهش نیاورده ازاندیشه و کارباز ماند، صبحگاه شنبه ۱۴ماه اپریل ۲۰۱۵ روح پاکش پرواز کرده به دیدار جانانش شافت و این قالب امانتی را به ماها گذاشت تا به اصلش بسپاریم .

درسال ۱۳۱۴ شامل مکتب ابتدائیه نمبریک سردارجانشان گردیدند. بعداز صنف ششم به لیسه غازی و در سال ۱۳۲۷ بعد از اخذ شهادتنامه بکلور یادر همان لیسه عالی بحیت معلم عزز تقریر حاصل نمودند.از قران کریم سوره آل عمران آیت ۱۶۴میخوانیم:لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِ

لغزش زمین بدخشان ... (دنباله از صفحهٔ دوم)

آنچه که به میزان ملیونها دالر بعداً فرستاده شد، حیف ومیل گردید واز آن حتی نه یک خانه یانیم خانه، نه یک اتاق و نه نیم اتاق آباد گردید، ونه شکمی و نه نیم شکمی سیرشد، حالت پهمان منوال وزندگی پهمان فلاکنباری اش باقی مانده است !

نگاهی به جیولوجی این منطقه بالاستفاده ازعکسهای هوایی وفضایی نشان می دهد که این منطقه ساحهٔ بی ثبات بوده واحتمال وقوع لغزش های زمین بعدی در آن خیلی هابیشتر است، وازدیدگاه جیوانجنبری مطالعات دقیق وتدابیر جدی استحکامی stabilityواضرورت دارد. درغیرآن این ناحیه بایست بچیت ساحهٔ غیرعمرانی No buldاعلام شود. این نوع برخورد در برابر ساحاتی با این مشخصات جیولو جیکی درکشورهایکه مقامات دولت احساس مسئولیت می نمایند، معمول است.

عکسهای هوایی نشان میدهد که تلفات جانی ومالی این حادثهٔ الم انگیز فقط بایک مطالعهٔ سادهٔ جیولو جیکی وتفسه برداری ارزیابی خطر Risk Assessment میتوانست به مراتب کاهش یابد. عکسهای هوایی وفضایی انجام این نوع مطالعات جیولو جیکی رابخیلیا ساده ساخته ویک جیولو جست میتواند بدون آن که ازساحه دیدار کند ، آنرا در دفتر خود انجام دهد. طی یازده سال گذشته آتقدرعکس هوایی وفضایی ازسراسرافغانستان برداشته شده که کثرت ودقت آنها در کمتر کشوری ازجهان دیده میشود. این عکسها که بیشتر توسط امریکا و انگلیس گرفته شده وهیچ نقطهٔ درافغانستان نیست که آنرا دربرنگرفته باشد، اما ازین عکسها تنهابه مقاصد نظامی وتبیت نقاط معدنی کشوراستفاده شده، ولی برای بهبودزندگی مدم از آنها کار گرفته نشده است !

عکسهای فضایی وتصاویر حاصله نشان میدهد که این منطقه ازمواد مخروبه Regolithو گل رس Clayومد Mudساخته شده است. زمانیکه آب به داخل شبکهٔ کرسنلینٔ آنها نفوذ مینماید، چسبندگی Cohesionذرات کاهش یافته و گل رس آماس کرده وفشار اضافی Stressبزرگتر طبقات بالایی وارد کرده، سبب بی ثباتی آنها وفعال شدن لغزش زمین میشود، که عین این عمل در آنجا واقع شده است. ازجانبی عکسهای هوایی نشان میدهد که زاویهٔ ثبات یا Repose Angelطبقات در آن منطقه بین ۳۰٪ تا ۴۰٪ درجه است وحتی در بعضی نقاط بالاتر از آن میباشد. گل رس و موادمخروبه در تحت این زاویه ثبات استحکامیت خود را از دست داده وسقوط می نماید، وبرای فعال شدن لغزنده شده زمین در چنین مناطق شرایط کافی میباشد. همچنان در عکسهای فضایی علامیم لغزش زمین در گذشته هاینز درین منطقه به کثرت دیده میشود. ازدیدگاه جیو انجنیری موجودیت چنین علامیم در یک منطقه زنگ خطری برای بی ثبات بودن منطقه بوده ووقوع لغزش زمین در آن حتمی میباشد. مناطقی باداشتن چنین علامیم ضرورت به مطالعات دقیق جیولو جیکی وتفسه برداری ارزیابی خطر Risk Assessmentرا دارامیباشد، تا تدابیرمناسب جیوانجنبری اتخاذ گردد واز تلفات جانی ومالی جلوگیری شود.

نوعیت لغزش زمین در آب برک بدخشان از نوع لغزش زمین دورانی بود که بنام یادمیشود که در اثر نفوذ آب در طبقات احجار وشبهٔ کرسنلی گل رسم فشار اضافی بر طبقات بالایی وارد شده وسبب بی ثباتی وسقوط آنها گردیده و لغزش زمین رابوجود آورد. چون لغزش زمین از نوع دورانی بود، طبقات سقوط کرده توانستند که در کنارهٔ مقابل دریا در ناحیهٔ انجایی خود که بنام Toeیادمی شود، حرکت دورانی نمایند، وسبب انهدام منازل گردد. همه لغزشهای زمین که در آینده در این منطقه وجود می آید، از همین نوع خواهد بود وخسارات مشابه را بوجود خواهد آورد.

وقتی لغزش زمین اولی به ساعت یازدهٔ صبح واقع شد، موادسقوط کرده در پای زمین لغزیده به امتداد بستر دریا که فشار کمتر در آن بود حرکت جانبی کرده، سبب تولید قوای کششی یا Shear Stressشد وموادمخروبه که بالای آن بود، پایین کشانیده شد وسبب تولید لغزش دومی زمین گردید، که دو ساعت بعد واقع شد، و آنها ییکه برای نجات دیگران جمع شده بودند، در گیر آن شدند وجانهای خود را از دست دادند، که میزان تلفات را بلندبرد. این حادثهٔ خیلی درد ناکی بود، اما درس بزرگ جیوانجنیری هم بود که میتوان از آن برای جلوگیری از وقوع همچو حوادث دلخراش درآینده استفاده نمود.

از نگاه جیوانجنیری عامل مصونی Safty Factorاین منطقه کمتر از یک میباشد وساحاتی که عامل مصونی شان کمتر از یک است، به حیث ساحات غیرعمرانی NO buildو یاساحات باز Open spaceشناخته میشوند، وتحت مطالعات جدی ودقیق جیولو جیکی وجیوانجنیری قرار میگیرند. از جانب دیگر ولسوالی آرگو ودر مجموع همهٔ ولایت بدخشان در کمربند (کوه زایی) فعال همالیا و آلپ Himalaya- Alp Orangeyقرار دارد، که سالانه ۳ الی ۵ سانتی متر صعودمی نماید ودر فعال شدن لغزش زمین کمک میکند، این حالت برای صد الی یک صد و پنجاه ملیون سال دیگر دوام خواهد کرد تا همه منطقه به اعتدال توازنی یا Isostasy Equilibriumخود برسد. به هر اندازهٔ که کوه صعود میکند، باید به همان اندازه مواد لغزش نمایند تا توازن در منطقه برقرار شود. بنا لغزش زمین یک پروسهٔ نورمال وضروری بقای کرهٔ زمین است. زمانیکه این پروسه وقوع نیابد، از یک پروسهٔ طبیعی به یک فاجعهٔ طبیعی تبدیل میشود. برای تولید لغزش زمین دویده باید لازم است یکی نشیب اراضی Slopو کد بگر قوهٔ جاذبهٔ زمین Gravity چون قوهٔ جاذبه زمین همگانی وهمیشگی است، لذا در هر جاییکه زمین بانشیب باشد، در آن وقوع لغزیدن زمین حتمی است، وعوامل جانبی موجوداند که سبب فعال شدن آنها میگردد. یکی ازین عوامل نفوذ آب در داخل طبقات احجار است، در منطقهٔ آب برک پیش از وقوع لغزیدن زمین بارانهای شدیدو متواتر از ۲۵ اپریل آغاز شد و بتاریخ دوم ماه می فاجعهٔ دلخراش لغزش زمین به وقوع پیوست .

برای جلوگیری از وقوع لغزش زمین وكاهش خسارات مالی وجانی، طرق زیاد جیوانجنیری مهباست که بنابر عدم موجودیت یک ادارهٔ سالم ودلسوز در افغانستان، بیشترین این طرق در کشور که در منطقه وزون حاد لغزش زمین در جهان قرار دارد، قابل تطبیق نیست. روی این ملحوظ نخواستیم روی هر یک آنها صحبت ننایم وقت خوانندگان عزیز را بگیرم . درینجائتها از آن طرق وتدابیر جیو انجنیری یادمیکیم که از نگاه جیولوجی سبب ثبات نشیب هادرین منطقه یاحداقل کاهش میزان تلفات میگردد، ومردم خود میتوانند از آن استفاده نمایند :
۱- احداث سیستم تخلیهٔ آب Water Drainageاز بالای تپه ها به دریاها : باید جویه های موازی به خطوط ارتفاع حفر گردد وهر یک ازین جویه ها توسط جویه های عمودی باهم وصل گردند. فاصله میان جویه های موازی باخطوط ارتفاع میتواند بین پنجاه الی صدمتر باشد وفاصله بین جویه های عمودی میتواند بین ۲۵ الی ۵۰ متر باشد. بستر جویه هایاید توسط حفله های دریایی پر شود تا مانع نفوذ آب به داخل طبقات احجار گردد، جویه ها باید متواتر مراقبت وترمیم شود.
۲- دیوار استحکامی به امتداد کنارهٔ دریا، در پای تپه هایجادشود. این دیوار میتواند توسط سنگ اعمار شود که بهتر از اعمال دیوار کانکریت میباشد، ونشیب دیوار میتواند بین ۱۵ تا ۲۰ درجه باشد. مردم محل میتوانند از تجربهٔ خود در اعمار آن، و از مواد محلی استفاده کنند. این دیوار میتواند بافرش کردن پارچه هاو توت ه های سنگ ساخته شود، ضرورت به سمنت ومصالح نیست .

شمارهٔ ۹۹۶

۳- کوشش گردد تا مسیر دریا مستقیم ساخته شود وکنده سنگهاو موانع دیگر از بستر آن دور گردانیده شود تا حرکت دریا آرام وقوای تخریباتی جانبی آن کاهش یابد. از حفر بستر دریایاید خودداری گردد که مشکلات بعدی برای اهالی بارمی آورد ودسترس به آب دریا را که برای منطقه حیاتی است مشکل میسازد.

۴- جلوگیری از اعمار منازل که به طریقهٔ No buildیاغیرعمرانی مشهور است، چون لغزشهای زمین که درین منطقه به جودمی آیند، از نوع لغزشهای دورانی Slumpاست، لذا از اعمار منازل در نزدیکیهای کنارهٔ دریا خودداری گردد، حد اقل اراضی به عرض دو تاسه کیلو متر متصل به کنارهٔ دریا از ساختن آبادی پرهیز شود و حیث ساحات غیرعمرانی یا ساحات باز اعلان شوند. این اراضی رامیتوان به زمین زراعتی تبدیل کرد و کوشش شود به هر اندازهٔ که امکان دارد اشجار بخصوص درختان توت، زردآلو وچهارمغز، که ریشه های عمیق دارند، واز تخریب خاک جلوگیری میکنند، غرس گردد.

۵-طریقهٔ کشت درخت یا Vegetetion : در بالای تپه ها بایست درختانی که ریشه های طویل وعمیق دارند، کاشت شود. بهترین نوع درخت، درخت توت میباشد که از وقوع لغزش زمین وسقوط طبقات جلوگیری میکند واز جانب دیگر حاصلات آنها در بهبود اقتصاد منطقه تأثیر مینماید. موازی به کنارهٔ دریا درختان بید وچنار کاشت گردد که ریشه های آن آب بیشتر گرفته سبب ثبات پای نشیب هامی شوند.

۶-سیستم اخطار یا به Warning : در صورت وقوع بارانهای متواتر چانس فعال شدن لغزش زمین درین منطقه زیاد گردیده واهالی باید احتیاط را از دست ندهند. اگر باران های متواتر برای بیش از سه روز دوام کرد، مردم بایست به جاهای امن پناه ببرند. ذوب مقدار زیاد و آبی برف ها خطرناک بوده وسبب لغزش زمین میشود که آنرا باید جدی گرفت.

۷-و بالاخره طریقهٔ احیای مسیر دریا: ساختمان جیولوجی منطقه طور یست که هر لغزش زمین که درآینده رخ دهد، مسیر دریا را مسدود مینماید، وخطر جانبی سیلاب راءیجاد میکند وهم سطح آب دریا بلند شبب سبب اشباع طبقات میگردد. در نتیجه استحکام نشیبها کاهش یافته وسبب فعالیت لغزیدن بعدی می شود. لذا یکی از ضرورت های اساسی اینست که هرچه زودتر مسیر دریا پاک گردد وراهی برای مجریان آب تدارک شود. این میتود را جیولو جستان چینیای در لغزش زمین که در سال ۲۰۰۸ در آن کشور واقع شد ومسیر دریا را مسدود ساخت، استفاده نمودند، واز هلاکت بیش از پنجاه هزار نفر جلوگیری کردند. بامید به خداوندانا و توانا، اگر دولت بیکاره وفاسد افغانستان برای رفع خطرات طبیعی وغیرطبیعی کاری برای ملت مظلوم مانمیکند، با استفاده از طرقی که به عرض رسید، خود مردم زحمتکش ورنجدیدهٔ افغانستان، جلو تلفات وخسارات بیشتر مناطق خویش را خود بگیرند. از انجنیران عزیز که در محلات بحرانی و مواجه به چنین مخاطرات میخوام هر مارتی که به عرض رسید، با معلومات بیشتر که خود دارند، به مردم چنین مناطق آموزشهای لازم بدهند. ومن الله التوفیق ./

علل پسمانی وعوامل پریشانی ماجیست ؟
(دنباله از صفحهٔ سوم)
ملت علم پرور بر علاوهٔ پیشرفت در سایر ساحات زندگی، در انکشاف زراعت و تربیهٔ حیوانات جهت تولید موادخورا که از منابع زراعتی و منابع حیوانی رانیز بالای برد. قرار احصائیهٔ حدودچهل سال پیش وزارت پلان وقت، افغانستان دارای مقدار زمین آبی دو ملیون هکتار و تعداد نفوس تخمینی ۲۷ ملیون بوده، چون هر هکتار مساویست به پنج جریب زمین، لذا مجموع زمین کشت آبی به ۱۰ ملیون هکتاری رسد، حاصل فی جریب چهل سیر است، مجموع حاصل به ۴۰۰ ملیون سیر میرسد. ۴۰۰ ملیون سیر تقسیم بر ۲۷ ملیون نفوس تقریبی، به هرفر حدود ۱۵۵ سیر گندم میرسد. ملل متحد جیرهٔ هر نفر را از قرار تولید عمومی دنیا به ۱۵۲ کیلو گرام تعیین نموده است.

درین حالت اگر تولید هر جریب زمین به چهل سیر رسیده باشد، ضرب به هفت شود(یک کیلو گرام تقریبا یک سیر است) قسمت هر نفر ۱۰۵ کیلو گرام میرسد. درین صورت افغانستان خود کفا نبوده به معاونت خارج در ساحهٔ گندم ضرورت دارد. دیده میشود که سازمان موادخورا کهٔ جهان مربوط ملل متحد سالانه به هفت ملیون نفر در افغانستان موادخورا که تهیه میدارد. شاید نقص در طرز زراعت یانبود تتم اصلاح شده ویا کمبود آب و کود کیمیای سبب شده باشد که مقدار گندم مطلوب تولید نمی شود. اگر وزارت زراعت و مالداری بتوان حاصل هر جریب رابه اندازهٔ ۶۰ سیر برساند، در آن صورت برای هرفر نفر ۲۲ سیر آرد در سال میسر شده میتواند و افغانستان خود کفا شده از گدایی صرف نظر خواهد کرد.

امیدوارم با آمدن حکومتی نو ودلخواه مردم، مقدار خورا که به تناسب نفوس در داخل تولید شده ووطن مایه خود کفایی برسد./

دوستم به حاشیه رانده شد
(دنباله از صفحهٔ سوم)
که کسانیکه شامل پروسهٔ صلح شده اند، همه از ملیشه های وی میباشدند، تذکر دادند که ملیشه های مربوط به وی در خزان ۲۰۰۱ پس از افول رژیم طالبان، خلع سلاح شده بودند. همکاران وحلقهٔ نزدیک به دفتر غنی احمدزی دربارهٔ اینکه دوستم به حاشیه رانده شده، گفتند که آقای دوستم قانونا نفر دوم باصلاحیت در ریاست جمهوری اسلامی افغانستان میباشد .

عبدالرشید دوستم در دههٔ هشتاد بصفت یک فرمانده طرفدار شوروی در جنگ با مجاهدین به شهرت رسید. پس از آن درسی سال گذشته متحدین خود رامحتاطانه انتخاب کرد وزود زود جهت خودرادر جریان جنگها واختلافات در افغانستان تغییرداد و قادر شد روابط بسیار محکم وپر درآمد با سازمان سی آی ای امریکا برقرار کند ودر قطار حامیان قوای امریکا در افغانستان درآید، وشکست رژیم طالبان را در ۲۰۰۱ ممکن گرداند. پسانتر باحامد کرزی همکاری کرد، که بیش از یک دهه حکومت نمود.

آقای غنی احمدزی که سالها پیش دوستم را بصورت آشکار(قاتل مشهور) نامیده بود، ویرا در اثر سفارش کرزی به معاونیت خود در مبارزات انتخاباتی برگزید و(رهبر گرزمایی) خواند. احمدزی در عین حال بسیار محتاط بود که چسان از معاون خود استفاده کند. دوستم در اجتماعات بزرگ که در ولایات شمال راه انداخت، هزارن نفر حامیان خود را به نفع احمدزی در آنجاها جمع نمود، مگر احمدزی، دوستم را در مبارزات انتخاباتی در ولایات جنوب وشرق، جایکه ترا کم نفوس پشتون مسلط میباشد، دور نگهداشت ! بقول شمارز یادافغانهاوغریها در کابل که از افشای نامه‌های شان خودداری کردند، اجازه ندادند در مورد سیاست داخلی ارگ صحبت نمایند، از آن زمان تا حال به حاشیه راندن دوستم عمیق تر شده میروود و وی در حلقهٔ داخلی ارگ نزدیک به آقای احمدزی که در تصمیم گیریهای ارگ نقش دارند، راه ندارد. در عوض احمدزی با وفاداران خود که از استفاده از مردد پر قدرت ازبک کمتر ارزش قایل اند، چسبیده است. به اساس برداشت مامورین افغانی که طغیان آقای دوستم آشنایی دارند، معاون اول ریاست جمهور احمدزی به وی هوشدار داده که او خود را در انحصار گروهی از(فانیستها) محصور ساخته است. برخی مامورین ادعا می کنند که غنی احمدزی توازن را با (دنباله در صفحهٔ هفتم)

الحاج امان الملک جلاله

بهار و آغاز زندگی نوین

خالق کابنات تفواوتها وتبدلات گوناگونی را در گردش روزگار و چرخش فواصل چارگانه، تنوع ونوآوریهای درزندگی انسانها، حیوانات، پرنندگان، خزندگان ونباتات به ودیعه گذاشته است، تا مخلوقاتش در هر مقطع زمان درهر نوع شرایط نوین وهر قسم تغییرات وتبدلات اقلیمی بتوانند بنیاد زندگی روزمره ،اساس پلاننگداری آینده وروش فعالیتهای ضروری ولازمی حیاتی اش رامنظم ومرتب گردانند، وبادر نظر داشت شرایط مناسب، چانسهای پیش آمده وزمینه های مساعدی که در مسیرش قرار میگیرد، استفادهٔ اعظمی رانموده به پیشرفت وترقی اش یغفراید، واز لذا بد زندگی برخوردار شود.

درین دنیای قشنگ وپرنعمتی که ما زندگی میکنیم، اگر همه اش بکثواخت وبدون تحول وتنوع باشد، برای ما خیلی خسته کننده خواهدبود، زیرا آن خالقی که عرش لامکان، زمین وزمان، سیارات و کهکشان، ملایک و انسان، جن و حیوان، حشرات وپرنده گان، برف وباران، گرمی سوزان تابستان، سردی یخبندان زمستان را آفریده و در پهلوی آنها موسم خوشگوار بهاران وموسم معتدل وملایم خزان را جاداده، که هر کدام آنها مزایا وسجایای منحصر یخودشان دارند، که قابل توجیه وپذیرش است، وهم برای اهل بصیرت درس عبرت واموزندگی واحساس لذت وشادی .

اگر تمام عمر انسان همیشه بهار باشد، برایش بکثواخت میگذرد واز لذت سردی زمستان وبرفهای سپید پرنرمز آن، وسکون وخاموشی زمان، فرو رفتن در پتهٔ صندلی، شنیدن قصه های شیرین شب یلدا از زبان بزرگان خانواده، گوش دادن به اشعار وفکاهیات اقارب ودوستان، خوردن جلفوزه وجلی و توت و تلخان واز دیگر نعماتی که موسم زمستان باخوده ارمغان می آورد، خودهارا محروم احساس میکنیم. همچنان اگر زندگی همیشه در سرزمین سرد و یخبندان مانند قطب شمال داخل خانه های سر بسته و پوشیده از برف باشد، شمال های طوفانی برف بادها، خطر لغزیدن برف کوچ ها، محصور ماندن به دورن اطاقها طاقت فرسا میشود، که در آنصورت انسان هر آن آرزوی دیدن آفتاب تابان، نظارهٔ شکوفه های درختان، فرا رسیدن نسیم ملایم بهاران وآرامیدن لب جوی های روان وسایه های چناران وآب بازی در سواحل معتدل سمندر کنار مهرویان نیمه عریان بر سرش می زند !

یقینا همین چرخش زمان وتبدلات فصول وظهور وماسم مختلف، انسانهارا گاهی از راههای صعب ودشوار گاهی از شاهراههای آسان وهموار عبور میدهد، گاهی بسوی سرور وشادی میکشاند، گاهی جانب غم ونامیدی هل میدهد. گاهی در قصرهای مرمین ثروت جا میدهد، گاهی در کلبهٔ حزین محنت فرو می نشاند .

پس ما انسانها باتحمل همه ملایمات و ناملایمات، پسند وناپسند، نشیب وفراز باید خود را عیار ساخته ازدایرهٔ صبر وشکیبایی وشکرانگی وتسلیمی به قضا وقدر الهی پابیرون نهمیم ودر هر حال و زمان استوار وثابت قدم باشیم . مسئولیتها وزمه واریهای انسان در دنیای امروزی بنابه موقعیت جغرافیایی شان، منشورسیاسی شان، فرهنگ وعنعنات شان، فهم ودانش علمی وتخنیکی شان، صنعت وپیداوار شان، حتی مذهب وعقایدشان ازهمدیگر خیلی متفاوت است. باموجودیت همهٔ این تفواوتهای عیان ونهان، مانباید خودها را از سر نوشت پردرد وغم و پر ازهرج ومرج هموطنان مستمندو کشور محبوب وفقیر خودنی پروا و بیتفاوت بینگاریم . واجب است که همیشه همانظوریکه درسی وتلاش فراهم نمودن زندگی راحت وآسوده برای خود واولادخود هستیم، همانا در فکر وتشویش حالات ناگوار وناسازگار ملت مظلوم ومحروم خوددم باشیم و یکمقدار کم یا زیاد از عواید ومعاش خودرابم صدقه وزکات وثبوت احسان وسجاوت ذاتی خویش به خویشاوندان ونزدیکان بی بضاعت وثیمان ومسکین بی خانمان وبی سرپرست بالای خود فرض وواجب بدانیم و همراه یک بمقدار پولی رابه آنها فرستیم واین مسئولیت دینی ووجدانی خویش را در بارهٔ حکم الهی که می فرماید: (کسانیکه اموال خود را شب وروز پنهان وآشکار صدقه میدهند، مزد آنها نزد پروردگارشان برای آنها محفوظ است، نه ترسی بر آنهاست و نه اندوهگین میشوند. ۲۷۴ سورة بقره) بالاخلاص ومحبث ادا نموده باشیم، وبه همان فرمودهٔ حضرت محمد(ص) که میفرماید صدقه رد بلاست، خود هارا مقید گردانیم. باید بافرستادن یک مقدار پول، محتاجان را کمک واستعانت نمایم وخود واولادخود را در زیر چتر رحمت پروردگار حفاظت ووقایه کنیم، وبهار آنها را رنگ ورونق شادی وتازگی بدهیم، ودر ضمن، خود را از بار ملامتی حضرت سعدی شیرازی هم برهانیم که میفرماید:

تو کر محنت دیگران بی غمی
نشاید که نامت نهند آدمی /

استاد ولایی ... (دنباله از صفحهٔ چهارم)
من قَبِلَ لَقَى ضلال مَیْنٍ. خدا بر مؤمنان انعام فرمود آنگاه که از خودشان به میان خودشان، پیامبریٔ مبعوث کرد تا آیاتش را بر آنها بخواند و پاکشان سازد و کتاب و حکمتشان بیاموزد ، هر چند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند. معلم اول خدا هست و در پیش محمد و هر آموزگار دانشمند استوار محسن در کردار و گفتار از پی محمد (ص).

در سال ۱۳۲۸لیسه حبیبیه، در سال ۱۳۴۷لیسه محمود طریزی، در سال ۱۳۴۹متوسطه شاه شهید (ع ر)، در سال ۱۳۵۶ادرلیسه سید جمال الدین افغانی یحیث معلم، سر معلم، معاون تدریسی لیسه حبیبیه، آمریت ومعلم مکتب متوسطه محمود طریزی وشاه شهید؛ باباکی واستواری وبابویه خدا ودستورات دینی در خدمت فرزندان میهنش بود؛ در سال ۱۳۵۷بنا بر اسلام ستیزی خلقی های ملحد بعوض ترفیع به رتبه دوم:جبرایه تقاعد سوق داده شد و در ۱۹۹۲ع به کالیفرنیا پناهنده و تا دیروز در شهر فریمونت می زیست .

روانشاد استادولایی در درازنای زندگانی آموزگارش به تدریس اصول صنفی (که شامل زبان ومشق حساب وآشنایی به القبا قرعان وبناهای دینی– از اول تا صنف چهار) تاریخ ،حساب، هندسه و العجبر پرداخته بودند. استاد درسراسر زندگی آموزگاری وخدمتگزاری صادقانه به فرزندان میهنش مشغول بودند. افتخارات مدال صداقت وتقدير نامه هاو تحسین نامه را بدست آورده بودند.

استاد منحیث ورزشکار برانندهٔ هاکی ومربی در سال ۱۳۲۷از طرف مدیریت لیسه غازی تحسیننامه که معادلش یکصدافغانی(آنزمان) بود؛ ونیز ۷-۶کپ از ریاست سپورت وزارت معارف وقت بدست آورده بودند. در سال ۱۳۵۲ایا استفاده از برنامه(سمر شش) همراه عدهٔ از استادان مدت هشت هفته در دانشگاه A-U-Bشهر بیروت درلبنان، دورهٔ آموزشی (امور پیشرفت درسی) گذرانیده اند.

فرزندان استادباسیاس خداوند همه شکر گرد استاد تا آخرین لمحات زندگی شان بودند و پدر را تنها نگذاشتند .

سفر ابدی روانشاد استاد محمد مهدی ولایی به فرزنداناشان هریک بانودکیه احدی، راضیه ولایی،زلی ولایی، زمزی ولایی، جعفر ولایی، محمدهادی ولایی ومحمدظفر ولایی تسلیت عرض کرده وبه همه شان شکیبایی وجان جوری وسرفرازی وزندگانی درازخواهانم وروح وروان استاد راشاد ودیدار جانان در بهشت برین آرزومی کنم./

بازگشت همه به سوی اوست

شادروان بی بی کلتوم سراج شیرزی

عرض تسلیت و همدردی

مرحومه بی بی کلتوم (کلتوم) سراج شیرزی، صبیۀ شادروان سردار محمد کبیرسراج، و همسر مرحوم عبدالهادی شیرزی، از بانوان منور افغانستان بود. موصوفه از هفت سالگی الی نود و هفت سالگی به خواندن کتاب و جراید علاقمند و منهمک به مطالعه بود. ایشان مبانی علوم وقت و آشنایی با قرآن عظیم الشان و زبان فارسی را بااستفاده از قاعدهٔ بغدادی، گلستان وبوستان حضرت سعدی آموخت. دردرازای زندگی به امورسیاست در کشور علاقه گرفت، بویژه پس از رفع حجاب، تلاش میکرد تا بابرادربرگش شادروان دگر جنرال محمد نذیر کبیرسراج درمجالس سیاسی و علمی واجتماعی حضور یابد. وی ولع زیادی به دانستن احوال سیاسی ماضی و حال افغانستان داشت، و درین باب با وابستگان ودوستان به مباحثۀ داغ می پرداخت .



مرحومه بانو سراج شیرزی، به یقین اکثر کتب تاریخ سیاسی معاصر و تازهٔ که ازسوی دانشمندان وبژوهشگران تاریخ افغانستان دریست سال اخیربه چاپ رسیده، میخرد وبه مطالعهٔ دقیق آن می پرداخت، و بعد کنهائیش را به خانمهای دیگرافغان برای مطالعه وآگاهی شان به امانت میداد. وی یکی ازخوانندگان و مشترکین دایمی و وفادار هفته نامهٔ امید نیزبودند، وتاآخرین هفتهٔ حیاتش، آنرا مطالعه نمودند. بنابرکنش وطن و وطندوستی، هرروزه بخش خبری تمام چینل های افغانی رابه مشاهده می نشست وخود راز جریان روزانه آگاه میداشت، بنابرهمین عادت خجسته، تاآخرین روزحیات جراید، کتب را می خواند و تلویزیون ها را مشاهده می فرمود .

شادروان بانو شیرزی دارای روحیات قوی بود وباین نعمت عظیم که خداوند به او بخشیده بود، باوجود مشکلات زیاد که درصباوت ازدست مادراندر دیده بود، شکایتی نداشت، وجون بخشنده بود، هیچ کینهٔ ازهیچکسی بدل نمیکرفت. بافرزندان، نواسه ها، کواسه ها و نوادۀ تازه تولدش الیاس جان، باخویشاوندان، دامادان وعروسان، برادرزاده هاوخوهرزاده هاودوستان همیشه بامحبت و صورت خندان رویوروشده، پذیرایی میکرد و به صحبت گرم وصمیمانه می نشست .مرحومه کلتوم سراج شیرزی، هفت فرزند، سه پسربه نامهای انجنیر عبدالله شیرزی، داکترعبدالوهاب هادی وعبدالرحیم شیرزی، وچهار دختربه نام های بلقیس جان، حمیراجان، مریم جان وآمنه جان غوثی ازخود به یادگار گذاشته اند.

ایشان ساعت ۵صبح سه شنبه ۲۱اپریل ۲۰۱۵ مطابق اول ثور ۱۳۹۴خورشیدی درشهر الکسندر به ایالت ورجینیا به رحمت حق پیوست ودر باغ فردوس واقع درمونث کامفورت همین شهر ب خاک سپرده شد، انالله وانا الیه راجعون . وفات آن بانوی گرامی ومهربان رابه فرزندان وخانواده های محترم سراج، شیرزی، عزیز و سمیعی وسایر بازماندگان صمیمانه تسلیت میگوییم، برای مرحومه رحمت خداوندی وجنت فردوس تمنای داریم، وبه اقارب شان صبر جمیل واجر جزیل خواهانیم .

لازم است یادآوری شود که امروزشنبه ۵ ثور ۱۳۹۴ مطابق ۲۵ اپریل ۲۰۱۵ برابر است بانجمه و پنجمین سالگرد وفات غازی شاه امان الله محصل استقلال افغانستان، که به تاریخ ۵ ثور ۱۳۳۹ مطابق ۲۵ اپریل ۱۹۶۰درسویس به رحمت حق شتافتند ودر جلال آباد ب خاک سپرده شدند. روان شان شاد باد. بانو کلشوم سراج شیرزی برادرزادهٔ آن شاه بزرگوارافغانستان بودند . (ادارهٔ امید)

_ وفات مرحوم انجنیرعبدالله علی، سابق وزیرفوادیمه رادر جرمنی به خانواده های محترم علی و صمد، بویژه همکارعزیز واحدعلی صمیمانه تسلیت میگویم. امید

_ وفات شادروان الحاج پروفیسرعبدالواحد ضیاء سابق استادورئیس دانشکدهٔ انجنیری کابل رابه خانواده های محترم ضیاء، عزیز، کوهستانی، پیکا، رحیمی، حیات وخلیلی صمیمانه تسلیت میگویم. امید

_ وفات شادروان استاد محمدمهدی ولایی رادر کالیفورنیا به خانوادهٔ گرامی شان و کلیه بازماندگان صمیمانه تسلیت میگویم. امید

_ وفات مرحومه بی بی زهره خانم داکترعزیز باصر را درورجینیا به خانواده های محترم باصر، خلیلی، ناصری و پناه صمیمانه تسلیت می گویم . امید

تسلیت نامه

یکن از شخصیتهای دانشمند، وطندوست، پرهیزگار، نویسندهٔ توانا وبرجسته و ممتاز وخادم سابقه دار درامور معارف ومعلم بااستعداد کشوربرای تربیۀ اولاد وطن، مرحوم مغفور استادشمس الدین متین سلجوقی، به اثر مرضی طولانی، درین اواخر درشهر نیویارک به رحمت حق پیوست. انالله وانا الیه راجعون.

این حادثه سبب تأثر عمیق جامعهٔ مهاجرافغان شد. جنازهٔ مرحوم روزجمعه ۲۷ مارچ ۲۰۱۵ ساعت ۹ صبح ازمسجدجامع حضرت ابوبکرصدیق(رض) برداشته شده وبه حضیۀ افغانها درشهر نیویارک محترمانه ب خاک سپرده شد. فاتحهٔ استاد مرحوم ساعت دوی بعداز ظهر یکشنبه ۲۹ مارچ درهمین مسجدجامع برگزار شد، که جمع زیادافغانهای شهر نیویارک ونواحی آن وایالات مجاور آن، از واشنگتن دی سی و کالیفورنیا و تمام اعضای خانوادهٔ مرحومی اشتراک ورزیده بودند. بعدا چندین تن از شخصیتهاوز خدمات صادقانه وطولانی وسجایای نیک و خاصتأ از خدمات جنابشان در امور معارف صحبت فرمودندوازشخصیت ودانش شان با قدر دانی یاد کردند، که از جمله جنابان حبیب الله مایار، انجنیرعبدالرحمن جلیلی، قاری عبیدالله امام، حاجی محمد اکبر شیرزاد امام، قاری سلطان محمد، خانم شکایلا کارمند مکتب افغانی، نثار احمد زوری، انجنیر عبدالله، لطف الله سادات جنرال قونسل افغانستان در نیویارک . آقای حبیب الله مایار (دنباله در ستون سوم)

عبدالقدیر عادل

خانم شکریه بارکزی را بشناسید !

اگرپوره درباره اش معلومات ندارید، به (سایت راستین) جناب شفیع عیار مراجعه کنید، حقایق را در آن می یابید.

من به این نقاش بزرگ وجیره دست که تابلوهای بزرگ ورنگارنگی ازخود به یادگار مانده، در دورهٔ حکومت(خانمانسوز) کرزی از طریق رسانه ها آشنا شدم وگفتند که اوبه خاندان بزرگ (داوی پریشان) آن علمبردار آزادی وترقی وپیشرفت افغانستان تعلق دارد. اگرچنین باشد، از روح پاک داوی بزرگ پوزش می طلبم، او شخصیت ناملدار تاریخ معاصر کشور ماهست.

دردورهٔ حکومت خونچکان کرزی، میرمن! شکریه بارکزی به اساس همان اندیشه های کهنه ویلید فاشیستی درهمه صحبتهایش چه در خارج چه درداخل کشوروشورای ملی، میگفت چرا درجنوب آتش جنگ شعله وراست ودر شمال آرامی می باشد ؟!

موازی باو، کرزی، این نوکر آی اس آی وپدمهربان طالبان، در رسانه ها باچینک خودظاهر گشت واطهار کرد که به اساس راپورهای دقیق، شب هنگام، طالبان باتجهیزات بیگانه، توسط جرخ بالهای نظامی از جنوب به شمال انتقال داده میشوند، این موضوع تحت کنترول است وبزودی نتیجه به اطلاع ملت شریف افغانستان رسانده میشود؛ مگر همین که به اثر خیانت حاکمان غدار پاکستان این ارمان کثیف شان برآورده شد، دیگرصدایی ازهیچ طرفی برنخاست وشمال ازجنوب بدترشد .

به این اساس کرزی وشکریه بارکزی درخونریزی های سیزده سالۀ برادران شان یعنی طالبان وآی اس آی، شریک وسهم اندو یابد در دادگاه عالی محاکمه ومجازات شوند . شکریه بارکزی پیوسته از حکومت نامنهاد کرزی وپروژهٔ طالبان مزدورآی اس آی پاکستان حمایت مینمود وعقده کفانی میکرد وبه کرزی میگفت اوبه پشتونها هویت؟ بخشیده است. درحالیکه کرزی بی کفایت، افغانستان رابه خاک وخون کشید وبولهای بادآورده را که دیگر در تاریخ افغانستان به آن پیمانه تکرار نخواهدشد، خاک ودود کرد. پس شکر به بارکزی دریاطن یک فاشیست درجه یک ودرظاهر یک مصلح دروغین می باشد. او با یون ها و روستار ها و جمیلی ها و ملامجاهد هافرقی ندارد. یاد دارم دریک مسافرت باآصف وردک سخنگوی طالبان در محفلی در کشورهالند، هردو حمایت بیدریغ شانرا از کرزی وپروژهٔ طالبان ابراز نمودند.

این خانم مکاره در جریان انتخابات ریاست جمهوری غنی احمدزی ازاعضای فعال تیم قلب وتداوم بود وبه نفع ایشان کارومبارزه می کرد. پس چگونه شده میتواندچنین آدم مشکوک وفاشیست درپست مهمی مانند ریاست عالی کمسیون اصلاحات انتخاباتی انتصاب ومقرر شود؟ بنابرین ازدومین متفکر گیتی! غنی احمدزی خواسته می شوده موضوع عاجلا تجدید نظر نماید و شخصیت مصلح واقعی و بی طرف رابه جای او بگمارد . درغیر آن کشورسوی بحران فراگیر پیش خواهدرفت وافغانستان یکبار دیگر در صحنۀ ملی وجهانی بدنام ویی آبرو خواهد گردید، که چنین مباد .

درفرجام باردگر ازغنی احمدزی میخوامم منحیث شخص مسئول و جوابگو در برابر ملت عمل کند و دکتاتوری را کنار بگذارد. حق رابه حقدار بدهد. بس است قلب، بس است زور گوئی، بس است جفا های ناخشنودنی در حق ملت مظلوم وهردم شهید افغانستان . این کشور مظلوم یگانه مملکتی است که در قرن ۲۱ در خون شناور است و در گودال بدیختی دست وبامیزند، تأسفیحال رهبران ما که هر کدام سالها به کمک استعمار واستثمار خون ملت رامیکندند وخشت بالای خشت نماندند، وملت فقیر وبدیختی را به آیندگان به میراث گذاشتند. خداوند(ج) از نزد شان بازخواست کند . /



شهادت دم روباه

بیجا نگفته اند که ملا ریشش راو روباه دمش را شاهد میگردد

شهیدشکریه بارکزی که چندی قبل داتریک حمله انتحاری مخالفین سیاسی! دولت درسرک دارالامان کابل جام شهادت نوشیده وروانه جنت گردید اما دراثرغور ودقت دروازه بانان بهشت، شهادت اوجملی ثابت گردیده و نامبرده از آنجا ردمرز شده دوباره مجبور به بازگشت وطن گردید.

اکنون ملااشرف غنی تقلبیار، خانم شکریه تقلبیکار رابه سمت رئیس کمسیون اصلاحات انتخاباتی برگزیده تااو اتهامات جعل وتقلب در انتخابات ریاست جمهوری راموردغور وبررسی قرارداده و متقلبین را به پنجه قانون بسپارد. این درست بدان ماند که ملا اشرف غنی شوهراو راهمراه با اندیوالش محمود کرزی مسئول بررسی اختلاس کابل بانک مقرر میگردد تاایشان موارد دزدی و اختلاس گسترده کابل بانک را تحقیق وبررسی میکردند.

خانم بارکزی در جواب یک خبرنگاری که از او پرسید آیا بهتر نبود ی اگر اشرف غنی یک شخص بیطرف را که عضویت هردو ستاد انتخاباتی را نمی داشت در پست ریاست کمسیون اصلاحات انتخاباتی میگماشت؟ چنین گفت: من درین گزینش اصلا کدام مشکلی را نمی بینم چون افغانستان هند وپاکستان نیست وبفضل مرحمت خداوند در مینم دامدو کراسی وحکومت قانون چنان نهادینه شده که اگر جلاتناب ایشان بجای من حتی خانم خودشان را درین مقام منتصب میکردند، بازهم همه اموردرشعاع قانون به نحو احسن به اجرا گذاشته شده وحق از نا حق مجزا میگشت.

خبرنگارمذکور به خانم بارکزی گفت که قرار اطلاع او داکترعبدالله رئیس اجرائیه دولت وحدت ملی نیز با این گزینش مخالفتش را اعلام کرده، وخانم بارکزی در جواب گفت : میدانم که او با گزینش من به سمت رئیس کمسیون اصلاحات انتخاباتی مخالف است ومن هم با گزینش اودرپست ریاست اجرائیه کشورمخالفم، اما مهم اینست که جلاتناب داکتر اشرف غنی باهر دو گزینش موافق است! پس با احترام لازم به نظر خردمندانه جلاتناب رئیس جمهور عالیقدر مملکت وبدر نظر داشت منافع علای کشور وخطر خدشه دار شدن وحدت ملی درجامعه، بهتر خواهد که ما هردو دست از این مخالفت ها برداشته و هریک سر در گریبان خود فرو برده و دنبال کار خود باشیم !! / (سایت شمس الحق حقانی)

شرح اشتراک هفته نامهٔ امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۵)دالر - یکسال(۹۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۵۵) دالر = یکسال (۱۱۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه(۶۵) دالر - یکسال (۱۳۰)دالر

Omaid Weekly

P.O. Box 30818

Alexandria, VA 22310

Tel/Fax : (703) 491-6321 Cell:(571)435-4604

Email: mkqawi471@gmail.com

استادیار (پوهنوال) داکتر اسدالله حیدری

مصاحبه «ع و غ»

به رستوران*برفته شاعلی ع

برای خدمتش حاضر شده ع

کندهرضی،چه خواهش دارد آقا؟

بگیرد مینورا ازدست ع ،

اگر لطف کرده آرید کله پاچه

کباب شامی، از گوشت موسیچه

زمشروبات عالی،هرچه بهتر

نماید کاملم سرکنگس وکیچه

برد یاد وطن،هم بیاد مردم

وهم آن وعده های داده بودم

مرا مقصد بدی جو کی وقدرت

گرفتم آنچه را، لایق نبودم

بگفتش ع که ای یعقل، برادر !!

نظر برمن نما چهل ساله چاکر

نمودم دائما خدمت به اغیار

بگشتم ملک بی سر رامتیجیر

اگر ذیق بودی،دردوره عیش؟

مگر کرزی چونم شاگردشیطان

بین مغزی که حتی گوسفندان

ز کوه ها وچراگاه های کشور

خدا یا! تا به کی این حال و احوال

بیند(حیدر بروزی که ملکش

۱۳اپریل ۲۰۱۵

*- درسایت خاوران مطلبی تحت عنوان «چالش های فراروی دولت وحدت ملی افغانستان»جلب نظرم را کرد.یک فوتوی آقایان ع و غ که مشابیه به رستوران رفتن آقای (ع) وخم شدن آقای (غ) با پتکی مبارک سر شانهءشان برای اخذ فرمایش آقای (ع) را دیدم که الهام بخش سروده فوق گردید.

***- دجال به معنی کذاب، بسیار دروغگو و فریب دهنده .

دوستم به حاشیه رانده شد (دنباله از صفحهٔ ششم)

دوستم حفظ کرده و آنرا راهی میدانبرای تحقق تعهدات، تامردم را از نقش تصمیم گیری های ناگوار نجات دهد، اما بصورت واضح نمی تواند چنین روشی را بدون مشکلات ارائه بدهد. یک مقام رسمی گفت:(کرزی همیشه میدانست که پیش ازآنکه کسی به کاری مبادرت ورزد، او رادورسازد. مهارت سیاسی آقای احمدزی با مهارت سیاسی کرزی متفاوت میباشد).

آقای دوستم برای سرگرمی ومصرفیت خود به تمرین ورزشی زیر نام صحت برای همه رو آورده تا تندرست باقی بماند. تصاویر معاون اول بالباس ورزشی در رأس افراش در محوطۀ معاونیت ریاست جمهوری در صفحهٔ فیسبوک اوبه نمایش گذاشته شده است. همچنان نقش فعال درانکتشاف ورزش بازی میکند. دوستم اخیرأ درجلسات واضح ساخته که وی کارهایی را که انجام داده، تنها کمک خود تلقی میدارد، دوستم هشدار داده که او (رونالدو)ی ستارهٔ فوتبال پرتگالی نمی باشد)، شمانمی توانید فقط توپ رابه من پرتاب کنید!

یک مقام رسمی افغانی متذکر شد که اشتراک در جلسهٔ شورای امنیت ملی را وقتی ترجیح میدهد که در آن آقای دوستم حضور داشته باشد زیراشوخی و مزاح در آن وجود میداشته باشد ! ولی کسانی دیگر آقای دوستم وغضب ویرا جدی می پندارند. والی سایۀ طالبان در قندز بنام ملاسلام، باتصره برقول دوستم که میخواهدیک قوای نظامی ایجاد کند، بیان داشت: (دربارهٔ تشکیل قوای ملیشه باید گفت که پروپاگندعلیه مجاهدین واستفاده از پل کمکهای عظیم خارجی میباشد، درغیر آن کمکها به منافع و رفاه مردم عادی به مصرف می رسد). /

ازحادثۀ شهادت مظلوماثۀ خانم فرخنده که از طرف یکمده اشخاص جاهل، بیرحم ویی عاطفهٔ انسانی به هلاکت رسانده شد، یادآوری کرده به روان آن مرحوم اتحاف دعانمود . دریایان مراسم فاتحه، همهٔ حضار به ختم قرآن عظیم الشان پرداختند.

بنده نیز با اظهار تأثر عمیق از وفات شادروان استادسلجوقی، وشهادت خانم فرخنده ارواح شانرا شادمیخواهم به همهٔ بازماندگان تسلیت میگویم.

باحترام، صفی الله التزام، ژورنالیست میدیای آزاد، نیویارک

اعتذار، تشر و وضاحت ضروری

شمارۀ ۹۹۴امید بدستم رسید، آنرا با ولع ورق زدم وغناوین را از نظر گذشتاندم. در صفحهٔ سوم چشمم به مقالهٔ خودم افتاد که قبلا دربارهٔ معرفی کتاب جدید دوست دیرینم آقای عزیزالله آماج درسایت محبوب خاوران فرستاده بودم، واز مدیردانشمندامیداطهارسپاس مینمایم که آن مقاله راعینأ اقتباس کرده وبه نشر رسانیده اند.

مقاله را با دقت خواندم، با تأسف اغلاط تایپی در آن به ۱۳ مورد می رسید.وازین بابت خیلی دلگیر شدم، زیراهم نویسنده زیرسؤال میرود وهم متن مقاله صدمۀ کلی برمیدارد. بنابرین ازخوانندگان ارجمند پوزش میطلبم، و البته این اغلاط مربوط تائیسث خاوران میشونده امید. اینک در تقاهم تلفونی بامدیردانشمندامید، به تصحیح آن اغلاط میپردازم : (پامردی همسایه) (بای مردم همسایه) شده، نادرست است.(حیات سادهٔ کارگری)، (حیات سادهٔ کاری) آمده، (اثر گذار) (اثر گزار) شده، دوسه جای(را به که) تبدیل شده، (زمان) به سرعت میگذرد، (فرمان) نوشته شده، (طوطی) (طی) تایپ شده، (از کوزه همان تراود که دراوست) این طور آمده(از کوزه همان تراود که در درن هست) معنی نمیدهلد. در شعر حافظ شیراز (خرقه) (فرقه) تایپ شده.

به امیدچاپ مجددأین نوشته، باردیگرم مراتب امتنان خودرابه جناب محمدمقوی کوشان مدیردانشمندامید وهمچنین به جناب پروفیسر رسول رهین تقدیم میدارم. باعرض حرمت، عبدالحق بقایي پامیرزاد). /

Tel/fax:(703) 491-6321 Cell:571 435 4604
Email : mkqawi471@gmail.com

تلفون ٥٧١-٤٣٥-٤٦٠٤
mkqawi471@gmail.com
Omaid, POBox 30818, VA 22310 USA

**Memoirs of Khalilullah Khalili: An
Afghan Philosopher Poet – A
Conversation with his Daughter,
Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554
pages, \$19.99) is available in paperback
in English and Persian
at www.amazon.com.**